شرح آثار جعفری محمد جعفر الحسینی
۱۲۸۲

آثار جعفری محمد جعفر الحسینی
۱۲۸۲

آثار جعفری
فارسی
محمد جعفر الحسینی
سنه
۱۲۸۲

شرح آثار جعفری

[illegible]

۷	۱	۶
د	ه	۸
ج	ا	د

۱۶۶۷۱/

[illegible]

تاریخ جعفری است

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی خلق اللوح و القلم و علم الانسان ما لم یعلم و الصلوة و السلام علی نوره الاتم و سراجه الاقوم رسول الله الاعظم و
الاکرم محمد و آله المعصومین المطهرین اولی النعم و جمیع الکرام [illegible] اما بعد [illegible]
عظمی و خلافت کبری [illegible] جلالت [illegible] و از [illegible]
طرب [illegible] السلطان العادل و الخاقان
الباذل ملک الملوک [illegible] شاه [illegible] خلد الله ملکه [illegible]
علیه [illegible] ملک الملوک [illegible] شاه [illegible]
پادشاه غازی [illegible] بعد چنین گوید [illegible]
[illegible] جعفر الحسینی [illegible]
نیز اله

نیز رسید و [illegible] سعادت جاودانی [illegible] از کتاب [illegible] بهره ور [illegible] تحصیل [illegible]
دیگر محروم گشت اما [illegible] و علامات [illegible] روزگار [illegible]
[illegible] بعد [illegible]
از ادراک [illegible] و علما [illegible]
[illegible] اسلام الی هذه الایام [illegible]
و تحقیق حکما و مهندسین [illegible]
گشته [illegible] و همچنان [illegible]
[illegible] فضایل [illegible]
[illegible]
زیرا که [illegible] علام [illegible]
[illegible]
[illegible]

تاریخ جعفری است

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی خلق اللوح و القلم و علم الانسان ما لم یعلم و الصلوة و السلام علی نور الامم و سراج الظلم و علی آله الکرام و صحبه العظام و بعد
الی الامام محمد و آله المعصومین من المتطهرین ... اما بعد [illegible]
عظمی ... [illegible] ... و جلال ... [illegible]
[illegible] ... السلطان العادل ... [illegible]
الباذل ملک الملوک ... مراد ... [illegible] ... جلاله ... [illegible]
[illegible] ... ملک الملوک ... مراد ... [illegible]
پادشاه ... [illegible] ... الله بعد چنین گوید ... [illegible]
... مختصر محمد جعفر ... [illegible]

نیز الهه

بسر رسید و ... [illegible] ... سعادت ... [illegible] ... بهره ور ... [illegible]
دیهی محروم گشت اما ... [illegible] ... و علامات ... [illegible]
تا ... [illegible] ... رسید ... [illegible] ... چند ... [illegible] ... ممالک ... [illegible]
از ... [illegible] ... و ... [illegible] ... عظام و علما ... [illegible]
عام ... [illegible] ... اسلام الی ... الایام ... [illegible] ... تحقیق
و تحقیق حکما و مهندسین ... [illegible] ... و نقصان ... [illegible]
گشته ... [illegible] ... کاری ... [illegible] ... و کرم ... [illegible]
دارالفضایل ... [illegible] ... مبارک ... [illegible] ... و کرم
ملاحظه ... [illegible] ... متوقف ... [illegible]
زیرا که خداوند علام ... [illegible] ... از علوم ... [illegible]
بحث ... [illegible] ... شنیده
... [illegible] ... صرف کرده ... [illegible]

نوازش تعالی ارسال لطف آن حضرت و همراهی شاهزاده عالی و یاری سروری و صحبت عالیشان حضرت را روز کار همت
بیگانگی نشست با اگر از قافله مرطالعه کند فارسی زبان را از تاریخ و سیر معرفت میفرمود بنابر این حال غلط مزاحمت
در این حضور خسرو نامه جبین در بار ایشان خسرو را عین صحت حواله نمود جب شنیدم در دور ادیدم بارزا
بیگانگان بخشند کرم تو نیز از پدر همیشه در بخش بخشش جان افزای کار کن چو نیستی پسندیده است از ابرار
بر دیگران است ارتفاع ابرار و این مختصر را جوهری مسمی نمود ذکر حدیث این کشور و حالات بار ازده
از حضرت خیر البشر بلی اگر مورخان ایران بکلان ایران حکیم اند هر کس را بدانش آنکس خوانند
و اگر لیوری سخن [illegible] حکیم [illegible] بادشاهی معدلت گستر نمود [illegible] قسمت نمود [illegible] قسمت
در [illegible] اعضا ممالک است کشور ایران نام نهاد [illegible]
و جز الامر [illegible] تعهد [illegible] جهان [illegible] منقسم بر سه قسم
با روم و خاور دیگر ترک و چین سیم عرصه ملک ایران زمین داد و تقسیم فریدون ممالک ربع
مسکون را بر سه پسر آزادان اختصاص ایرج دارای ایران بر دیگران نیز معلوم است که ایران خلاصه دیار

ذکر خلفا

اعصار و دهور به اطراف و اکناف [illegible] قطعات است [illegible] در عهد ساسانیه و در دولت سلاطین ایران ممالک فارس را
شرف هوا در آنکه کرده اند و این سبب ملوک فرس مشهور و در آنکه بسیار گشت و ملقب به ملک الملوک
ملقب گشته چنانچه حق [illegible] عظمة [illegible] در قرآن مجید و فرقان حمید خود در حق ایشان [illegible] علیکم
عبادا لنا اولی باس شدید از نقش [illegible] [illegible] صادقه [illegible] جهان اعنی از
فارس سایر ممالک ایران و اختصاص عراق و لور [illegible] در نواحی البصرت و غرفات
[illegible] شده است زیرا که فارس را [illegible] ایران [illegible] ممالک هند و روم [illegible] تمام ممالک را
اهل فضل [illegible] جهان [illegible] حدیث [illegible] صلی الله علیه و آله و سلم
در حق اهل فارس [illegible] ان الله خیرتین من خلقه من العرب قریش و من العجم فارس وهم [illegible] مجمع البلدان
از آن خلاصه ایران [illegible] لو کان الایمان منوطا بالثریا لتناوله رجال من فارس
و کذلک در حق سلمان [illegible] فارسی [illegible] السلمان منا اهل البیت [illegible] من الاحوال
حتی [illegible] سلمان [illegible] بعضی [illegible] سلمان [illegible] اصفهان [illegible] فارس طلاق
بر تمامی ایران [illegible] ضعیف [illegible] طبع سلیم [illegible] مستقیم

مجهول و شنیده نشده است اگر چنین لغوی باشد [illegible] در بلاد ایران فارسی اطلاق شده باشد و اول آنکه
بر سبیل بعض احادیث و اخبار و کتب سیر و تواریخ مذکور است در زبان [illegible] از بلاد [illegible] ایران
بلد نیست [illegible] و مرو مروزی و ری رازی و اصفهان اصفهانی از الجمله [illegible]
مشهور است در حق اهل اصفهان [illegible] علیه السلام [illegible] این حدیث [illegible] تصانیف
برای [illegible] است [illegible] اگر [illegible] سلمان اصفهانی [illegible] در حق اهل اصفهان
با حدیث حضرت نبی صلی الله علیه و آله و سلم در مدح سلمان و آل او کمال [illegible] و مناقب [illegible] از آنکه
در این [illegible] اگر سلمان از اصفهان است [illegible] لهذا فارسی را فخر و مباهات
همین [illegible] عجم [illegible] شعرا [illegible]
[illegible] وان غلاما بین کسری وهاشم
لاعظم من نیطت الیه التمایم [illegible] ذکر مملکت فارس از ممالک [illegible]
ایران و محدود است [illegible] و جنوبی به بحر عمان و خلیج فارس و شرقی [illegible]
[illegible] کوه [illegible]

مجاور ان [illegible]

اطراف [illegible] باختلاف اماکن [illegible]
[illegible] گرمسیری و سردسیری [illegible] حرارت گرمسیر [illegible]
محصولات [illegible] و فواکه [illegible] و انواع میوه‌جات سردسیری و گرمسیری و غلات
[illegible] مناسب [illegible]
[illegible] قبل از ظهور اسلام [illegible]
[illegible] الواثق بالله خلیفه عباسی
[illegible] عشر [illegible]
المقتدر بالله خلیفه عباسی [illegible]
[illegible] در ایام سلطنت عضد الدوله [illegible] رکن الدوله آل بویه دیلمی [illegible]
[illegible] در ایام سلطنت [illegible]
[illegible] عبد الله بن
[illegible]

یابسب مرور دهور و شهور بسبب زلزله فرو ریخته شده و دلا باز چنین باشد عالی ... در ربیع الثانی سنه ۱۲۷
هزار و دویست و هفتاد و شش هجری در ایام سلطنت پادشاه جمجاه ملک الملوک ناصرالدین شاه قاجار خلد الله
ملکه و سلطانه ... حقوق ... این بنا ... بنای ... مرمت و عمارت ... از روی ...
حصاری ... ضمیمه اصفهان ... چهار ... انبار ... ابراهیم ... ضلع ... اقلیم ... شده
و بعد ... و مروت ... عمارات ... العمارة ... لاین ... ضلع ... و نمال ... از بنا
مقابل ... طلای ... که ... ولایت ... شده است و ... ده هزار و پانصد ... است و ... هزار و ...
سیم ... است ... مقدار ... و ... و لفظ ... ایران ... ملک ...
ایذج ... اقلیم سیم است ... شمالی ... شده ... است ... در ... اعتدال
اثر ... بهترین ... از ... ملک ... ارکان ... الملک ...
سلغری ... نان ... علاقه ... علمه و ... در ... کوب
میوه ... و ... نوعی ... و ... بسته ... و مطلوب
کوش ... طبع ... و ... بنا بمکانه ... اکثر ...

الحکم

لحکم و رود علم المالی ابو عمرو لیث صفار ... معاند بر دو ... کشف و جمیل ... ابو کالیجار ... فارس
و ... ثقفی ... عضدالدوله ... در روایات ... ثقفی ... هزار و چهار
از ... صمصام الدوله دیلمی ... شهر کشید ... خلل ... ممتد
اتابک ابن سعد بن زنگی سلغری ... محمود شاه اینجو
تعمیر ... شاه شجاع بن امیر مبارز الدین
محمد مظفری ... استحکام ... سلطنت
سلطان سعادت ... کریم خان زند ... فتحعلی شاه
و ... ۱۲۳۹ ... شهید ...
قاجار ... قلعه ...
... جعلنا عالیها سافلها شده ...
تعمیر ... ۱۲۳۹ ...
... ملک الملوک ناصرالدین شاه قاجار ...

و بعد از آن شیخ ابو اسحق [illegible] دایره این مرکز [illegible] الله [illegible] کلام [illegible] تعمیر کرده [illegible] سمت [illegible]
اسامی ائمه اثنی عشر [illegible] است در شهر [illegible] معروف [illegible] و میدان شاه و سر [illegible]
و سنگ [illegible] و سر در [illegible] در ایام [illegible] سنگ [illegible] ساخته [illegible] این جمله [illegible] دیگر
جمله در [illegible] مسجد [illegible] آب [illegible] اصفهان [illegible]
و کاروانسرا [illegible] معروف [illegible] در ذکر ابنیه قدیمه [illegible]
[illegible] از [illegible] مسجد جامع
عتیق است [illegible] در ایام [illegible] و اتابک [illegible] سلغری [illegible] افزوده
و سلطان ابراهیم بن سلطان میرزا شاهرخ گورکانی تعمیر [illegible] قریب [illegible] از زمان [illegible]
گذشته مکرر [illegible] و تعمیر شده [illegible] اگر چه [illegible] اما [illegible] محروسه [illegible]
و [illegible] مسجد جامع [illegible]
دیگر مسجد جامع [illegible] اتابک سعد بن زنگی سلغری در سنه ۶۱۵ [illegible] مسجد است
۱۲۶۹
با وسعت و صفا [illegible] سلطان حسین صفوی [illegible] تعمیر [illegible]

[illegible]

در ذکر ابنیه قدیمه

[illegible]

هزار و [illegible] شیخ [illegible] مسعود [illegible] حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک شیرازی
[illegible] اتابک [illegible] معروف است [illegible] مسجد [illegible] محکم [illegible]
[illegible] از [illegible] مسجد [illegible] دیگر مسجد جامع [illegible] سلطان [illegible] کریمخان [illegible]
[illegible] معظم [illegible] محکم [illegible] عرصه [illegible]
در ایام [illegible] میرزا [illegible] فی الجمله مرمتی [illegible]
[illegible] ملک الملوک [illegible]
مسجد [illegible] الملک [illegible]
و عرصه [illegible] در شهر [illegible] واقع [illegible]
[illegible] احمد بن موسی الکاظم علیه [illegible] السلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

بر سر قبری بنظر [illegible] ظاهر شده [illegible] اجرا شده [illegible] شخصی [illegible] معتدل [illegible]

ساکن [illegible] شده [illegible] خبر رسید [illegible] شده و [illegible]

معروف است که [illegible] شیخ ابو اسحق [illegible] بقعه

عالی ساخته [illegible] **دیگر** بقعه [illegible] سید میر محمد [illegible]

موسی و حسین ابن موسی علیه السلام است [illegible] بقعه [illegible]

دیگر بقعه امامزاده السید الکریم علی ابن حمزه بن موسی علیه السلام است [illegible]

[illegible]

[illegible] بیرون [illegible] اصفهان

[illegible] **دیگر** [illegible]

[illegible] اسحق [illegible] علی علیه السلام [illegible]

[illegible] احمد ابن حسن [illegible]

[illegible]

[illegible]

مزارات [illegible] **امامزاده** [illegible] معروف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **دیگر** [illegible]

[illegible] **دیگر** [illegible]

[illegible]

[illegible] **دیگر** [illegible]

[illegible] **دیگر** [illegible] موسی علیه السلام [illegible]

واقع است **دیگر** [illegible]

[illegible] قوام الملک [illegible] **شعر** [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ماندش هیچ دیره بر بره و هیچ کس نقشه قرار روا داشت و این در مزارع که به نصار فرس بخار است عرب حیران و حیف

آورده صدر اسلام احوال **ذکر** سلاطین و حکام این ممالک فارس در عهد ارتفاع اعلام اسلام برفرمان روائی و حکم رانی از

اشتغال داشته اند انچه از سرداران ظاهر گشته آنکه چون در خلافت خلیفه ثانی ابو موسی اشعری لوای مملکت ستانی

در ری برافراشت در زمان خلافت عثمان بن عفان عبد الله عامر آمد و لوای ... برافراشت و امیر ممالک

گردید چون خلافت ظاهر بامیر المؤمنین و شیر خدا در ایام علی ابن ابی طالب علیه الصلوة والسلام رسید زیاد بن ابیه

به نیابت عبد الله بن عباس حاکم فارس گردید و هنگام سلطنت عبد الملک مروان و حکومت حجاج عبید الله [illegible]

حسن مهلب ابن ابی صفره در زمان محمد ابن الحنفیه و اولادی قاسم ابن ابی عقیل پسر عم حجاج [illegible] و چهار

مشغول بوده در اواخر کار مروان حمار یزید ابن عمر بن هبیره و عبد الله ابن معاویه و بعض زاده هر یک از این جمان

کثیر الثانیه بعمرتبه چون نام امیر سری و آل عباس لوای برتری و سروری افراشته گاهی یحیی ابن خالد

و چندین امرای دیگر عجمی در زمان ... ابن عطا تمیمی بحکومت فارس اشتغال ... معروف بید ... گشته

معاصر المقتدر بالله یعقوب لیث صفار ... عظیم ... [illegible]

که چون در سنه ... و پنج ... تسلیم کرد گذشت ... عمرو ابن لیث ... معتضد سلطنت ...

تا هنگامی دولت سلطنتش منتهی و کارش در دست امیر اسمعیل سامانی بهار رسید علی ارنب المکتفی بالله

در اعمال فارس

در اعمال فارس بعض قصص از بدایع وقایع عمرو لیث است که چون از عهد سامانی حب الله المعتضد بالله

خلیفه عباسی با دوازده هزار سوار بجنگ عمرو لیث صفار که با شصت هزار سوار آمده بود در حوالی بلخ مقابله فیمابین

واقع شد طبل جنگ فرو کوفتند اسب عمرو لیث از غضب در رکاب سرکشی نمود عنان از کفش ربوده او را

به میان عسکر سامانیه جنگ یا معرکه برد لشکرش منهزم شدند او را در خیمه محمد معتضد در کمال ... از زور آرایش را

در آنگاه ... طلبیده ... طعام ... مسحوق شد لطف ... دیگر

بیرون رفت ... در رسید ... در مطبخ ... دسته ... گردش ... مسعود به

عمرو لیث ... خنده ... [illegible]

[illegible]

در ... و ... [illegible] ... معتضد ...

[illegible] ... طاهر بن محمد بن عمرو لیث از سیستان بفارس لشکر کشیده ... خلیفه را

اخراج ... ضبط ملک ... گشت چون خلافت به المقتدر بالله رسید ...

یاقوت ... حکومت ... عماد الدوله ال بویه دیلمی ...

... فارس ... مظفر بن یاقوت ... حکومت ... مملکت قیام و اقدام

در بر عراق و کرمان و اهواز استحکام گرفت و در اوایل حال بهاء الدوله شرف الدوله از احوال ابن الله که در
خلافت فرستادی چون استقلال یافت دم از استبداد زد و قریب بهفده سال در ایالت کرمان بود و ازین
اقبال این سلطان بهاء الدوله است که امرا از آنجمله مظفر بن یاقوت و تسخیر نواحی سلطان را با لشکر و مردم جنگ کرد
و همه را در خزانه که جوهر ایشان تصنیف و آنچه که میسر تسخیر مطالبه از رعیت بود انتصاف نمود و ابن فرش اعتبار
نکرد رضا بقضا داد و چشم براه عنایت خدا نهاد و سه روز به شیوه او نکرد ترتیب لباس خیاطی طلبید
جز از غش بنظر سلطان کشید و بموجب زر عیار از رعایا طلب نمود خانها و آنجا که نقدی بود ازو استماع لفظ
جز اسباب تعذیب چون پیداشت ملامتی معروض داشت که سلطان زنده باشد و ابن نقش با هندوان
خشم تعذیر بر وی ملامت از مظفر بن یاقوت باز از حال صندوق تعویض در ملک این بنده بسر برده از نقد
وصلح تسلیم کار گذاران دولت کرام بخوشی سلطان و خیرات دو وزرا و اموال و تمام لشکر و مردم تحت شد
و این تعذیب و تقریر او را از حوادث به بندگان عاجز داشت تا در سنه صد و سی و هشت عالم حیات را ترک کرد او را
زاده آن عضد الدوله دیلمی بر تخت مملکت نشست و بخلاصه ملک که در علم و نقاوت سلطان عالم کبوتر دیار را از نیک و بد
حس اعتقاد به معروف و بصفت شجاعت و ملاحت معروف شعر تخت را بر آنچه داد بر چو مهر
بر افروخت از روی تخت و چتر همه سروران و فرمانبران به بسته فرمان او را میان
او گمان

در معرکه پیکان باز نشد در گنبد خانه ها نشد در باب کرمانی خشت را در همدان و عراق
در عالم روان یافت دیگر عمارت عالی بر روضه مطهر حضرت امیر المومنین علی در نجف اشرف بنا نمود و بهمچنین امام
حسین علیه السلام در کربلا و زوار مرقد رسول صلی الله علیه و آله و در مکه و در قلعه اصطخر خشت بنا و راحت
اگر روزی بسر از کسی در کنار آب ریخته آن آب بکاری که کجا بود صرف میشد در شام و حجاز در عرض مراحل
جاده هر قدمی را آباد نمود ازین سلطان عمارات رفیع چنین سر کرده است و کار تلف آن باید نفر از احکام
افغان و ریاست ادباء روزی ان جوانان نیکو کاره در عقب بر ده آتش ترک روباه جهود را زمره خوارد آنچه ان سپاهی بر دو راه و کار
عیب و مهلت را انتقام کرده و حمایت بند متعهد و آن نیز چو جنگ ملطف را رضی راه و آبادانی برداشت بتعقب از ضبط نمود
بی کم گذاشت مقام ضرورت مرد بجامعه صرف می کرد سی لک از سال تا روز اسم قرار علیق و جهت
قرین بود در مکان سپاهی نگرد را در بند مبالغه در صید و از خفیف مطلع بود و جمیع آن ناحیه از کلام عریض
عضد الدوله را پسر حسب الله ابو شجاع ارسلان تجلی عظمت چون شمسی بود که از کار اردشیر و امیر او را لقب عضد الدوله
حسب الله کلانتر و بامراه خواص حمایت آن ولایت را ده داده سلطنت را و امور ملکی ان فرامین را عطا فرمود
از عنایت نیک بسر ایشان پیش بیرون فرمود و هنگامیکه سلطنت رسید از حسن سیرت او خصوصاً لقب فرمودند تاج الملة
و نیز همچنین شاه کیش ایران شرف الدوله و صمصام الدوله و بهاء الدوله و عضد الدوله

و سلطان الدوله ابن بهاء الدوله و ابو کالیجار حسام الدوله ابن بهاء الدوله و ابو منصور فولادستون ابن ابو کالیجار
علی الترتیب و التوالی برادر آل بویه در نظم ملک و ملت قیام و اقدام نمودند تا در سنه چهارصد و چهل و هشت زمان
دولت ایشان سپری و ایشان طبقه در هم پیچیده شد کل شیء هالک الا وجهه له الحکم و الیه ترجعون
در شهور سنه چهارصد و پنجاه و هشت سلطان الب ارسلان سلجوقی عنان عزیمت به سمت فارس [illegible] کرد [illegible]
مرفوع کرد [illegible] تا ظهور اتابک سنقر [illegible] در قبضه تملک سلاطین سلجوق بود و در ایام دولت [illegible]
از [illegible] فضل سلغریه [illegible] دوم [illegible] سوم اتابک [illegible]
از فارس [illegible] چهارم اتابک قراجه [illegible] تخت [illegible]
با [illegible] قراجه [illegible] پنجم اتابک منکوبرس [illegible]
معروف [illegible] ششم اتابک [illegible] عادل و منصف [illegible]
هفتم ملکشاه [illegible] سلاطین سلجوق [illegible] چند [illegible]
منحرف شده منقو بن مودود سلغری [illegible] جمال [illegible]
[illegible] در سنه [illegible] سلطنت [illegible]
[illegible] در سنه [illegible] اتابک [illegible]

انهم [illegible]

انهم [illegible] سنه [illegible] تکله بن زنگی
وارث تخت [illegible] طغرل بن سنقر [illegible]
[illegible] سعد بن زنگی [illegible] ۵۹۹
و [illegible] کرمان [illegible] شعر [illegible]
[illegible]
[illegible] در سنه [illegible]
[illegible] سلطان [illegible]
[illegible] سلطان جلال الدین منکبرنی [illegible]
[illegible]
[illegible] در سنه [illegible]
اتابک ابوبکر بن سعد [illegible]
[illegible]
[illegible]

بعده
شعر

فرزند قطب الدین محمد ... حضرت ... بکلی از ... بعد از ... وفات ... عراقیه از ... ولد کرد ... سلطان ...
در سنه ... و ... چون ... قتلغ ترکان ... متصرف شد ملک سلطان ...
بر ... مستقل ... گرفت ... در سنه ... و ...
در ... شاه ... داد در سنه ...
... سلطان ... ازتحت گاه ...
گشت ... اتابک ... محمد ... مملکت ... ترکان خاتون ...
مملکت ... قتلغ ترکان ... خشنه پس از آن ...
اتابک ... ترکان خاتون ...
در ... سلجوق شاه ... جلوس ...
سلجوق شاه و ترکان ... منکو ... سمکان مغول
... عزم ... از ... شیخ ...
... التناجو ...
... سلجوق شاه ...

بعد ... قطعه ... و ...
در سنه ... ابکاتو و سوغو نجاق و اتابک ابش ...
... و ... در سنه ...
سلطان ... شمس الدوله ... اباقا خان
... سید قطب ...
... جلال الدین اسعد ...
... مملکت فارس در قبضه ... شیخ جمال الدین ابراهیم
... عبد العزیز ... الله ...
محمود شاه ... کمال ...
و ...
شاه ... ماغتمی بن امیر
چوپان ... سلیمان
شاه ...

در دار السلطنه اصفهان شاه شجاع در زمان سلطان اویس ... در سنه ثلث و ستین و سبعمائه در میدان سعادت شیراز بود
شهادت یافت شعر راستی خاتم فیروزه بو اسحاقی خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود در ایام ... سرو جوان شعر
حافظ ... امیر مبارز الدین محمد بن مظفر صاحب تاج ... کرمان ...
و عظمت ... تسخیر ممالک فارس بعزم تسخیر ممالک عراق و خراسان ... میشد
در ایام ... رزم ... محمود ... از دیار ... بلاد ...
بابلغ احوال ... قریب ... از ...
خوب ... بود علاء ... اکثر ... اطلاق ... و ... تحریر و شعر
قطعه شعر ... عجب ... شعر
... عاقبت ... در اصفهان ... ابن ... شاه
شاه سلطان ... بر جهان ... روشن ... در چشم جهان ...
در سنه ... شعر ... از ...
... شاه شجاع ... لطف طبع و حسن خلق
رو ... ملک ... متصف ... جلوس نمود شعر شعر

کفی داشت چون ابر بهمن سخی رخی داشت چون اختر فرخی ... بزرگ ... ارجمند ... هر ... کوهر
... برادران هریک ... شاه
محمود در اصفهان ... شاه شجاع مخالفت ورزید شاه شجاع بعزم رزم باصفهان آمد شاه محمود متحصن شد در این
فتنه شاه سلطان ... لشکر شاه شجاع بود ... شاه محمود ... مکحول البصر کرده
شاه شجاع بصلح مراجعت نمود گویند قوه حافظه اش ... بود در هفت سالگی بیت عربی را
بیک شنیدن حفظ نمود در نه سالگی کلام الله را حافظ گردید ... علوم ... قاضی عضد
ایجی کرده ... طبع مستقیم ... اشعار عربی و فارسی ... در سنه ... و هشتاد
و شش ... بجوار رحمت الهی ... اشفاق ...
... عرض نمود ...
... چشم ... داشت ...
دارم ... از چشم جاری ... روان
... نکته ...
قریب ... هزار ... بادی ... کند ... شعر

شعر
شعر
شعر

نگاه داشت

[illegible] شاه [illegible] در رجب [illegible] تعیین کرده [illegible] از [illegible]

[illegible] اموال [illegible] از [illegible]

[illegible] عزوی [illegible] شهر [illegible]

چنین کشته [illegible] کار **سلطان زین العابدین** [illegible] بر مسند ملک تخت

داخل شد [illegible] در مجلس [illegible] صاحب قران [illegible]

[illegible] قلعه سفید [illegible] عراق [illegible] عالم

[illegible] شد [illegible] گورکان [illegible]

[illegible] شاه منصور شیراز

[illegible] سلطنت [illegible] امیر تیمور گورکان [illegible] تسخیر ممالک

فارس [illegible]

شد [illegible] شهید [illegible]

[illegible] فلک [illegible] زمین [illegible] گشت

[illegible] گشت [illegible] شاه منصور [illegible]

کرد [illegible] امیر تیمور [illegible] بعضی [illegible]

[illegible] اسب [illegible]

[illegible] **عمر شیخ** ابن امیر تیمور گورکان

[illegible] گشت در سنه [illegible] قلعه [illegible] اعمال کردستان [illegible]

[illegible] گشت **امیرزاده** پیر محمد بن عمر شیخ قائم مقام [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] سلطان ابراهیم [illegible]

[illegible] ولایت [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] در سنه [illegible]

[illegible] ولایت فارس [illegible] **میرزا عبد الله** [illegible]

[illegible] شیراز [illegible]

[illegible] تالیف [illegible] در سنه [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] میرزا عبد الله [illegible] تخت [illegible] گشت

در تسخیر آن بالاستقلال حکومت کرد عاقبت در زمان حکومت حبیب الله میرزا که از خویشان میرزا شاهرخ بود بهادر

چشمه میرزا شاهرخ چون از مهمات کلیه فارغ بال شد در تصرف فارس و عراق بهادر از

در سرزمین کار حکومت فارس را در کف کفایت میرزا سلطان ابراهیم سپرد که از بیت عراق و خراسان منصرف شد

در سنه ثمانمائه و ... میرزا ... هرگاه قراقوینلو عازم تسخیر فارس شد میرزا سنجر را اخراج ... کرد

لنور باکان و ده ... حدود جبال عمان و عراق و ارمن و کردستان بانی پادشاه ... فرمان رسید صحبت

رعیت روی ... مملکت فارس را میرزا ... شیخ ... آقللو ...

بالاستحقاق والاکرام ... مملکت فارس ... نکات باطن و ظاهر

بی چیز ... اعلام ... و مراتب در گذشت ... میرزا ... شاه ... والده ... میرزا

عراق ... فارس را ... روی کرمت ...

فارس ... در سنه ثمانمائه و ... میرزا ... حسن بیک

آق قوینلو مقتضی ... گشت ...

... در اوان ... اجتماع لشکر داد و بعزم

تسخیر ممالک فارس و عراق و لور ... فارس را با میرزا ... الدین

(۱۹)

از جمله امیر ... برلاس تفویض فرمود در سنه ثمانمائه و ... میرزا ابوسعید گورکان در سمت قاآن

... حسن بیک آق قوینلو منتقل شد حسن بیک فارس را در اوایل حال بعمر بیک ... و بعد ... سلطان

خلیل ... امیر حسن بیک حکم فارس ... شد ... در ...

یعقوب بیک سلطان یعقوب ... حکومت فارس منصور بیک ... تفویض رفت ... سلطان یعقوب

از میان رفت ... بایسنغر میرزا ... حسن بیک ...

در آن ایام حکومت فارس ... منصور بیک ... مفوض بود در سنه ... فارس و عراق سلطان ...

یعقوب ... **شعر** ...

شعر

... سلطان ... شاه اسمعیل

... مملکت فارس ... ممالک پادشاه ...

... سلطان ... فارس ...

... سلطان ... جهان شاه ...

... سلطان ... الدوله ...

... سلطان ... شاه ... اسمعیل ... قزوین ...

لهذا [illegible] سلطان [illegible] بعوض [illegible] سلطان محمد میرزا [illegible] امرا [illegible] حسن [illegible] گشت

حکومت فارس [illegible] خان [illegible] بهرام [illegible] علیخان [illegible] ذوالقدر

حاکم این ملک [illegible] شاه عباس [illegible] یعقوب خان ذوالقدر حکومت فارس [illegible]

[illegible] ملک فارس [illegible] یعقوب خان [illegible] شد

[illegible] فارس [illegible] ذوالقدر [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] حکومت فارس [illegible] در [illegible]

در حقیقت [illegible] شهر [illegible]

[illegible] منصب [illegible] داشت [illegible]

خان حکومت [illegible] امام قلیخان [illegible]

[illegible] فارس [illegible] عباس [illegible] در سنه [illegible]

در سلطان [illegible] عالم [illegible] صفی میرزا [illegible] سلطنت

[illegible] امام قلیخان [illegible] فارس [illegible] در سنه [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] حکومت فارس [illegible] در سنه [illegible] شاه صفی [illegible]

داراب خان

در شهور [illegible] علم [illegible] شاه عباس [illegible] شاه صفی [illegible]

[illegible] سلطنت [illegible] عراق [illegible]

در [illegible] در سنه [illegible] شاه سلیمان [illegible] شاه عباس [illegible]

[illegible] شاه سلطان حسین [illegible] شاه سلیمان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] مشغول

[illegible]

[illegible] فارس [illegible] در سنه [illegible]

[illegible] شعر [illegible]

[illegible] اصفهان [illegible] در سنه [illegible]

[illegible] روان [illegible] شاه [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] فارس [illegible]

[illegible] در سنه [illegible] محمود [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] شعر [illegible] دشمن [illegible]

شعر

شعر

در ایام او این سخن فاش بود   در ایام او شیر با گور بود   نه بیداد و بنهاد همی ناتوان   ستم کرده بنهاد در زیر ران
زبردست مغلوب انگشت [illegible] فرمان شاه [illegible] سلطان اشرف محمد [illegible] و سلطنت نادری
[illegible] و [illegible] شاه طهماسب ثانی [illegible] گردید
محمد علی خان [illegible] سلطنت با هم بلا [illegible] شاه عباس ثالث [illegible]
[illegible] سلطان [illegible] **بعد** طهماسب خان
جلایر [illegible] در سنه [illegible] جلوس [illegible]
شان [illegible] **شعر** همیشه [illegible] کیخسرو سام [illegible] اسکندر [illegible] دارای [illegible]
خورشید [illegible] قضا فرمان [illegible] شاه [illegible]
برقرار [illegible] اقبال گشت [illegible] مرکب [illegible]
و [illegible] جلایر [illegible] کلبعلی خان [illegible]
[illegible] سردار [illegible] علی قلی خان [illegible] جهان [illegible]
[illegible] سلطان [illegible] خان [illegible]
[illegible] اقتدار [illegible] سلطان [illegible] ایران [illegible]
و [illegible] کلبعلی خان [illegible] رضا [illegible]
[illegible]

دیباچه [illegible] امرای [illegible] کریم خان [illegible] اظهر [illegible] حسن خان [illegible]
[illegible] عاقبت [illegible] ابراهیم خان [illegible]
[illegible] حکومت [illegible] ایران [illegible] شاه [illegible]
عادل [illegible] کریم خان زند [illegible] شیراز [illegible] السلطنه [illegible] سلطنت [illegible]
و عراق و [illegible] فارس و [illegible] و کرمان و [illegible] رعایا و [illegible] و جمهور [illegible]
در عهد [illegible] **شعر** [illegible]
[illegible]
[illegible] ابوالفتح خان [illegible]
[illegible] ابوالفتح خان [illegible]
عراق [illegible] اصفهان [illegible]
[illegible] **شعر** [illegible] جهان [illegible]
[illegible] ابوالفتح خان [illegible] صادق خان [illegible]
و [illegible] سلطنت [illegible] علیمرادخان [illegible] اصفهان [illegible]
[illegible] صادق خان [illegible] ابوالفتح خان [illegible]

[illegible] سلطنت [illegible] بعراق [illegible] لطفعلی [illegible] دنیا را [illegible] مرض استسقا فوت شد

در سنه هزار و دویست و [illegible] جعفر خان ابن صادق خان در اصفهان [illegible] شیراز [illegible]

لشکر [illegible] در اصفهان [illegible] معاودت بشیراز [illegible] شد [illegible]

کازرونی [illegible] در خلوت [illegible] نصف [illegible]

بر مسند حکومت نشست لطفعلی خان ابن جعفر خان [illegible] شیراز [illegible]

شیراز را [illegible] پادشاه [illegible] آقا محمد خان

[illegible] در سنه هزار و دویست [illegible] کرمان

[illegible] کرمان [illegible]

[illegible] شعر سلطان [illegible]

[illegible] آقا محمد خان [illegible] لطفعلی خان

[illegible] اعتماد الدوله [illegible] نواب [illegible] بابا خان

[illegible] سلطنت [illegible]

[illegible]

فارسی [illegible] ایران [illegible] تاریخ [illegible] شعر [illegible] آقا محمد خان [illegible] بابا خان

خزان

صد شکر [illegible] که [illegible] عدل [illegible]

[illegible] فرمود [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] آقا محمد خان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جعفر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شعر [illegible]

[illegible]

در سنه هزار و [illegible]

[illegible]

[illegible] شعر [illegible]

گرفته شده جانب دولت پرده‌ای از آن پیشه خلوتی با نسخ دارائی درباره کردی شده در جای مجلس
سالکی کرده جنگ تحریش آورد اوقات فتح حضرت شاه [illegible] نواب نصرت دولت مشعل ممالکی را حضرت
اعتماد الدوله محمول بود با نصر دولت [illegible] شدند همه [illegible] در باب [illegible] اختصاص گشته
عظام دار [illegible] مملکت [illegible] شاه [illegible] گشته [illegible] حضرت [illegible] هزار [illegible]
[illegible] و الملک [illegible] شاه [illegible] حضرت [illegible] شاهزاده [illegible] مصحوب
و [illegible] دار الخلافه شد نواب شاهزاده فرمودند [illegible] الدوله با لشکر [illegible] قلعه
با نظام امور مملکت فارس [illegible] نواب [illegible] شاهزاده [illegible]
[illegible] ممالک [illegible] عرض
[illegible] نصرت الدوله [illegible] سعید [illegible]
[illegible] مملکت [illegible] اعظم
دائم [illegible] استقامت [illegible] شعر [illegible] در زمانه [illegible]
[illegible] وزارت و [illegible] منقضی شد
نواب نصرت الدوله [illegible] طهران [illegible]
شاهزاده اعظم [illegible] مملکت فارس [illegible] سلطان عراق دفتر
مختار

منصور [illegible] فارس [illegible] شاهنشاه [illegible]
عالم کرم [illegible] فارس [illegible] عالم [illegible] باران [illegible]
[illegible] فارس [illegible] هیچ [illegible]
[illegible] خلاف [illegible]
[illegible] شاه عالم
[illegible]
[illegible] شعر [illegible]
[illegible]
[illegible] شاهنشاه اعظم [illegible] فارس
[illegible]
[illegible] شعر [illegible]
[illegible] شاهزاده [illegible]
[illegible] عادل [illegible]
[illegible] عراق

لمؤلفه دست الله ول گر برادر نعیمین و باز روان نعیمین را سخن ... و دشمن ... چنان ... بستان ... در روی عیش را

از تیشش گر گرد ... همچنانه ... آشیانه ... انصاف ... که با عزم و حزم ... نصف ... [illegible]

جمیله و ... این مملکت ... عظمی ... کلاه قاهره ... [illegible]

و الا ... حکم ... سلطان ... فارسی ... ایران ... [illegible]

... [illegible] ... چون رفع این ... [illegible]

... عیب ... **شعر** هرکه ... [illegible] | شعر

گرش ... لطف ... حسین ... احوال ... [illegible]

فارس ... عالمی ... دل ... [illegible]

مالک رقاب ... کرم ... عظمی ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ... | شعر

... سلطنت ... ملک عجم ... **شعر** ...

از ... [illegible] ... رسم ...

... ملک ... **ناصر الدین شاه قاجار** ... سلطان ... شاهزاده ... | ناصر الدین شاه قاجار

... این ملک ... [illegible]

۱۶

... [illegible] ... ملک ... [illegible]

شیخ ... [illegible] ... صدر اعظم ...

... [illegible] ...

... سلطان ... [illegible]

... [illegible] ...

... **شعر** ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... صدر اعظم ... ایران ... [illegible]

... [illegible] ...

قبول ... ولایت ... بیرون ... بگشت ... اهل ... علم و علما ...

... اهل ... خاص ... کتاب ... نهضت

... ولایت ... شعر زمانه ... کاین

... قلم ... بگشت

ذکر بعضی از وزرای اعظم و معارف ... کرام و شعرای ... امیر ... ام الکتاب

عبد الحمید بن یحیی ... عبد الملک مروان ... فضلا ... علم ... اکنون

... ابوداود ... وزارت ... خلیفه ...

... علی بن

... خلیفه ...

القاضی بالله ...

... ابوالفتح ... القائم بامرالله ... ابوالفضل ...

... سلطان ... ابو جعفر ...

... [illegible] ...

... خواجه تاج الدین حسن ...

ابو

... ابو منصور احمد بن محمد ... عبد الصمد ...

... التونتاش خوارزمشاه ...

... امیر جمال الدین اسمعیل ...

... وزارت ...

... [illegible] ...

... خواجه امین الدین ...

شعر ... [illegible] ...

... [illegible] ...

... ابونصر اسعد ...

... شعر ...

... [illegible] ...

... اتابک ...

... [illegible] ...

... خواجه نظام الدین ابوبکر ...

... شعر ...

... [illegible] ...

هر بار در سینه طبع صغیر و کبیر ... [illegible] ... خواجه ... الله

[illegible] ... خواجه ... الله

[illegible]

[illegible] ... خواجه سیف الدین ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... خواجه معز الدین حسین ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

حاجی محمد ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... اذا تم الامر بدا نقصه ... الزوال

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... والسلام ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شعر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حسن خان [illegible] در [illegible] شاه [illegible] علاء الدوله [illegible] نعمت [illegible] وزارت [illegible] میرزا [illegible] مفوض

[illegible] میرزا [illegible] میرزا ابوالحسن خان [illegible] صنعت و صنایع [illegible] میرزا [illegible]

[illegible] میرزا محمد [illegible] میرزا ابوالحسن خان [illegible] وزارت [illegible] سلطنت

[illegible] ملک [illegible] سلطنت [illegible] منصب [illegible]

[illegible] میرزا [illegible]

[illegible] **فی المعاصرین** [illegible] الله [illegible]

[illegible] السلطنه [illegible]

[illegible] میرزا [illegible] السلطنه

[illegible] اعتضاد السلطنه [illegible]

[illegible] الله [illegible]

[illegible] **میرزا علی اکبر** [illegible] الملک [illegible]

[illegible] ذات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ایران [illegible] السلطنه [illegible]

[illegible] الله [illegible]

[illegible] حضرت ظل الله [illegible] اللهی [illegible]

[illegible] کار [illegible]

[illegible] الملک [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] سلیمان [illegible]

[illegible] **شعر** [illegible]

[illegible]

[illegible] اعظم [illegible]

[illegible]

[illegible] الله [illegible]

[illegible] میرزا ابوالحسن خان [illegible] الله

[illegible] میرزا [illegible] الملک [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] میرزا [illegible] الملک [illegible] میرزا [illegible] الملک [illegible]

[illegible] الملک [illegible]

ذکر علما

[illegible] معروف [illegible] اللهم احفظ [illegible]

ابن المقفع عبدالله فارسی [illegible] کلیله و دمنه [illegible] از پهلوی بعربی [illegible] در علم [illegible]

سیبویه عمرو بن عثمان النحوی [illegible] ابو علی فارسی [illegible] نحوی [illegible]

کتاب ایضاح و [illegible] تکمله [illegible] از تصنیفات اوست [illegible] عضد الدوله [illegible] ابو سعید حسن بن عبدالله سیرافی نحوی [illegible]

[illegible] شرح کتاب سیبویه [illegible] ابو یوسف [illegible]

[illegible] در ایام الطائع بالله [illegible]

عبدالرحمن [illegible] مجد الدین اسمعیل [illegible]

علامه [illegible] قاضی القضاة [illegible]

قطب الدین [illegible] شیرازی [illegible]

[illegible] شرح [illegible] قطب الدین ابو سعید محمد [illegible]

[illegible] کشاف [illegible] قاضی القضاة ابو سعید

عبدالله [illegible]

[illegible] تفسیر قرآن [illegible] مصابیح [illegible] طوالع [illegible]

[illegible] فضل الله [illegible]

[illegible] شهاب الدین عبدالله [illegible]

[illegible] سلطان ابو سعید

[illegible] قاضی عضد ایجی عبدالرحمن بن رکن الدین [illegible]

[illegible] شمس الدین محمد

[illegible]

[illegible] شرح [illegible]

محمد بن یعقوب فیروزآبادی صاحب کتاب قاموس [illegible]

[illegible] سید اصیل الدین

عبدالله الحسینی [illegible]

[illegible] سلطان ابو سعید میرزا [illegible]

[illegible] درج الدرر [illegible]

[illegible] ملا جلال الدین محمد دوانی [illegible]

[illegible]

[illegible] شرح [illegible] مطالع [illegible] اخلاق جلالی [illegible]

[illegible] صدر الدین محمد

[illegible]

[illegible] مطالع [illegible]

[illegible] شمس الدین محمد معروف بفاضل خفری [illegible] از اعاظم علماء [illegible] است [illegible]

اکثر علوم [illegible] از جمله تصانیفش کتاب [illegible] و رساله [illegible] در حساب [illegible] و رساله [illegible]

[illegible] شاه اسمعیل [illegible] امیر [illegible] جلال الدین

[illegible] کتاب [illegible] معروف است [illegible]

[illegible] امیر غیاث الدین منصور دشتکی [illegible]

[illegible]

شاه مظفر الدین علی انجو [illegible]

شاه محمد تقی الدین [illegible]

[illegible] میر ابو الولی انجو [illegible]

[illegible] شاه عباس [illegible] میر محمود [illegible]

[illegible] میرزا محمد خادم [illegible]

میرزا معصوم [illegible]

میرزا جان [illegible]

[illegible] صدر الدین

[illegible]

[illegible]

۲۱۰

[illegible] سید علیخان [illegible] از اعاظم علماء [illegible]

[illegible]

[illegible] آقا محمد باقر [illegible]

[illegible] حاجی محمد حسن [illegible]

[illegible] کتاب [illegible]

[illegible] حاجی میرزا ابو القاسم [illegible]

[illegible]

[illegible] حاجی اکبر نواب [illegible]

[illegible]

[illegible] آقا سید جعفر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آقا لطفعلی [illegible]

[illegible]

[illegible] من المعاصر [illegible] حاجی محمد جعفر آباده سنه ۱۲۵[illegible]

برج فضلاء آفاق و مجموعهٔ [illegible] است

و جمیع اهل این مرز [illegible] و ذکر متعلقات [illegible] است [illegible]

[illegible] دار السلطنهٔ اصفهان [illegible]

[illegible] السید الجلیل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] العالم الوحید [illegible] السید آقا حسین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] السید الجلیل حاجی اسمعیل [illegible]

[illegible] معقول و منقول معروف [illegible]

[illegible]

[illegible] السید المؤتمن [illegible]

[illegible]

[illegible] السید المحقق المعروف بالهدایة الله [illegible]

[illegible]

ذکر مشایخ الکرام

[illegible] ابو عمرو [illegible] شیخ ابو یعقوب اسحق [illegible]

در ذکر مشایخ کرام

ابو عمرو

و تحریر [illegible] شیخ ابو الحسن [illegible]

[illegible] شیخ ابو عبدالله محمد بن خفیف [illegible]

[illegible] البحر المواج حسین بن منصور حلاج [illegible]

[illegible]

[illegible] المقتدر بالله [illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

[illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

[illegible]

شیخ ابو اسحق ابراهیم بن شهریار کازرونی [illegible]

[illegible] محمد بن عبدالله المعروف بباباکوهی [illegible]

[illegible]

شیخ ابو بکر معروف [illegible]

[illegible] عز الدین مودود بن محمد المعروف [illegible]

[illegible]

[illegible] شیخ حاجی رکن الدین [illegible]

بی نظیر و [illegible] بود در سنه هشصد و سی [illegible] میرزا ابو القاسم [illegible] شیخ زمان و مقتدای ائمه دوران [illegible] صاحب کشف [illegible]

و کرامات بود اغلب اوقات بسکوت میگذرانید از مجامع و مجالس [illegible]

از لسان [illegible]

و در ان کلمات [illegible] تاریخ [illegible]

[illegible] العالم ابو [illegible]

شیخ عبد الله بن مبارک [illegible]

[illegible] در سنه [illegible]

معروف شعرای شیراز [illegible]

[illegible] افصح المتکلمین شیخ مصلح الدین سعدی [illegible] شیرازی [illegible]

[illegible] کلمات [illegible]

بلند [illegible]

[illegible] خواجه شمس الدین محمد حافظ [illegible]

[illegible]

کمال الدین غیاث [illegible] شعرش شیرین [illegible]

[illegible] بابا فغانی [illegible]

[illegible] بو اسحق اسم [illegible] شیخ ابو اسحق [illegible]

دوم

[illegible] ابن نصوح [illegible] شیخ بن امیر تیمور گورکان [illegible]

در عصر [illegible] سلطان ابو سعید [illegible] یوسف بدل [illegible]

[illegible] عرفی اسم شریفش سید محمد [illegible]

[illegible] اهلی [illegible] شعرا [illegible]

[illegible] لسانی

[illegible]

سلیمان [illegible] مکتبی [illegible]

[illegible] شمیم [illegible] لطیف [illegible]

در سنه [illegible] عالی [illegible] اخلاق [illegible]

[illegible] محیی [illegible]

عالی

[illegible]

[illegible] اسم [illegible]

[illegible] صحبت [illegible]

[illegible] اسم [illegible]

[illegible]

[illegible] نادی [illegible]

در سنه [illegible] بیدل [illegible]

سیدی عزیز الطبع و علامه بوده در فنون شاعری استاد و طبعی بی‌همتا اکثر اهالی و اقران او را در تربیت داشت اکثر اوقات او را
لذرور حضور ... پادشاه جم‌جاه ... گردیده ... از ... بوده ... در ... مسقط الراس خود بوده و مع محمود ...
... عزم زیارت عتبات عالیات مسافرت کرده ... مرحمت ... عالم آخرت ... وصال شیرازی
... میرزا ... از ارباب کمال ... مرحوم ... بوده ... لطیف
... در همه خطوط ... خط نسخ ... قلم نسخ ... و محاسن ... هزار و ... از آن
فارسستان ... خاوری ... میرزا ... حسین ...
درویش است ... شاهزاده ... میرزا ... در ... بوده ... منظومات ...
... حکیم قاآنی ... صاحب ... اشعار ...
... از ... [illegible]
دلیل ... است ... ذکر بلوکات و قرا آباده ... سعید الملک ...
آباده | ... آباده | سرمق | چنار | ادریس آباد | صغاد | ترکستان | کرشک | وزیرآباد | حسین آباد
... ده بالا | چالیان | فیض آباد | دوق | مزرعه کرتک | جوشقان | ... | جرجورق
تخت ... | بیرک آباد | مبارکه | فروزین | امیرآباد | حسین آباد صغاد | کریم آباد | ... صغاد | بیدک
یعقوب آباد | ... آباد | درغوک | این بلوک ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]

آباده و مضافات

... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]

ابوشهر و مضافات بندر ابوشهر | ریشهر | حلیله | ... | ... | چاه کوتاه | احمدی | حسینک | ...
حیدری | ... | زردکی | ... | ... | قلعه ... | ... | ... | عسکری | ...
... | قلعه ... | مقاری | بندرک | بندرک ده | ... | ... | ... | ...
... | ... | ... | ... | احمدی ... | ... | قلعه ... حیدر | ... | ... | ... | ...
... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ...
... این بلوک ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... آبادی

و عمارت آرای ارکان دولت ایران [illegible] شیخ [illegible] از [illegible] که [illegible] عیش [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible]
دین پناه ملک الملوک ناصرالدین شاه قاجار [illegible] سنه [illegible] عمارت [illegible]
[illegible] ایران و انگلیس [illegible] مجلد [illegible] انگلیس [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible] من المؤمنین [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible]
[illegible] امور افغانستان [illegible] ایران [illegible]
[illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible] الملک [illegible]
[illegible]
[illegible] همه [illegible]

همه جوشن پوش هنگام جنگ حمله کنند همه شیر صفت که کینه دشمن [illegible] جهاد [illegible] عزم [illegible]
مسافت در نهایت خستگی [illegible] وارد [illegible] شدند افواج [illegible] انگلیس [illegible]
[illegible] حمله [illegible]
[illegible]
[illegible]
افواج [illegible]
[illegible]
[illegible] زمین [illegible]
[illegible] جنگ [illegible]
[illegible]
[illegible] جنگ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] احوال [illegible] دولت ایران [illegible] سیستان [illegible] انگریز
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] انگریز [illegible]
[illegible]
بالشکر انگریز [illegible]
[illegible]
[illegible] جلال آباد [illegible] لشکر
انگلستان دارد [illegible] لشکر ایران [illegible] جلال آباد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لشکر انگریز [illegible]
[illegible]
[illegible]
لشکر انگریز [illegible]

جانزو

جانرتو تصرف [illegible]
شجاع الملک [illegible]
[illegible]
[illegible] انگریز [illegible]
[illegible] شجاع الملک [illegible]
[illegible]
[illegible] شعر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] شعر [illegible]
[illegible]
[illegible] انگریز [illegible]
[illegible]
[illegible] انگریز [illegible] انگریز

از جهت داخل لشکر جمعی کثیر را معزول ... [illegible] ... محرم ... [illegible] ... اولاد الله ... [illegible] وقوع

... [illegible] ... فرسنگ ... [illegible] ... لشکر ... [illegible] ... بود

... [illegible] ... الدوله ... [illegible] ... ولایت ... [illegible]

... [illegible] ... جمعیت ... [illegible] ... خشتی

... [illegible] ... شیخ ... [illegible] ...

... [illegible] ... لشکر ... [illegible] ... میرزا ... [illegible] ...

لشکر نصرت ... [illegible] ... الدوله ... [illegible] ...

... [illegible] ... ایران ... [illegible] ... لشکر ... [illegible] ...

از لشکر ایران ... [illegible] ... ایران ... [illegible] ...

... [illegible] ... اعظم ... [illegible] ...

و لکن ... [illegible] ... بلوک علامرودشت ... [illegible] ... سرگاه علامرودشت

شکران خشتی داراباد ... [illegible] ... این بلوک ... [illegible]

... [illegible] ... فرسنگ حاصلش ... [illegible] ...

... [illegible] ... دارابجرد ... [illegible] ... شهرک ... [illegible]

کل ... این بلوک ... [illegible] ... فرسنگ حاصلش غله ... [illegible]

... [illegible] ...

علامرودشت

افزر

بلوک ... افزر سرغان آباد مظفری مرد ... [illegible]

... [illegible] ... این بلوک گرمسیر ... [illegible] ... فرسنگ حاصلش

غله ... [illegible] ...

سفلی انجام ... [illegible] ... این بلوک گرمسیر ... [illegible] ... فرسنگ ... حاصلش غله

... [illegible] ...

... [illegible] ... اصطهبانات خیر ایج ... این بلوک ... [illegible]

... [illegible] ... فرسنگ حاصلش غله ... [illegible] ...

قصبه اصطهبانات ... [illegible] ... ایج ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... عثمان بن ... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

اصطهبانات

ایجا دارد اکنون قرار داد پس از چندی عیسیان طاهره و [illegible] که در قلعه متحصن شده [illegible] و در آنجا [illegible]
در ساحل [illegible] [illegible] الدین [illegible] قایم مقام شده [illegible]
[illegible] قسم واحد [illegible]
[illegible] قلعه دارالامان [illegible]
[illegible] خراب و ویران [illegible]
[illegible] ملوک [illegible]
در [illegible] ارزنجان [illegible] کشتی [illegible]
این بلوک [illegible]
دارد [illegible]
[illegible]

جریان [illegible] ادسنجان ارسنجان حسین آباد جمال آباد جریر [illegible]
کفر فنار کرنک بماران جعفرآباد حلودر زیادآباد کلک صالح آباد قصر کمال این بلوک [illegible]
[illegible]
[illegible] ادکان رغان [illegible]
ده باکاه باباکیان قریه علی این بلوک [illegible]
[illegible]
[illegible] اباده طشتک ده مورد خواجه جمالی این بلوک [illegible]

[illegible]

بیضا

[illegible]
[illegible] در بیضا ملوجان کرنک دورق مقصودآباد رکه برازجان دکان [illegible]
شاه قطب الدین خورموردستان مبارکه شمس آباد باب الیام سعادت آباد شمس آباد قلعه زر هرابال جعفرآباد
جسان ایاس جان پشت کوه ابراهیم آباد سیسیان خزران نجان اسعدآباد هفتخوان
دشمن زیاری بورکان اناد سوان مهرآباد بانش هفت آبکان سهل آباد عزآباد
تخته سنگ چلک زر کرنک فاله و بردی خنزان کهنه یحیی آباد فخرآباد حسین آباد [illegible]
حاجی آباد جبرآباد علیان موس آباد کردان زیادآباد شیدان کرنک جبرآباد جابری آباد هزار
[illegible] آباد [illegible] این بلوک [illegible]
[illegible] بیضا [illegible]
[illegible]

براذجان

[illegible] براذجان [illegible]
[illegible] زیارت
[illegible] این بلوک [illegible]

بوانات

[illegible] بوانات
جبان [illegible] قاضی آباد [illegible] اباده [illegible]
[illegible] آباد فتح آباد [illegible] آباد این بلوک [illegible]

مروش زعیب بسته قبیله اهل سلاح فالیش غله و میوه جات نکار رایج گرمسیر ناکک و اهل آش از چشمه و قنات هر قریه شمار از بجاه خانه

الی چهار صد خانه دارد تنگستان تنکستان کرارک کابیک دلوار میمه عامری باشی بارکی

جاه تل باغک قباکلی تزرکی خیاری گلگی رود فاریاب این بلوک گرمسیر کنار دریا ... جنوب

و مغرب سرار سمت جهار فرسنگ فالیش غله و خرما نکار قبیله اهل آش از باران هر قریه از نجاه خانه الی صد و نجاه جهرم

دارد جهرم جرم قطب اباد باباعرب سعادت اباد زاهر شیر بداللان مصعقان چهار طاق حیدر اباد

شمس اباد محمد اباد ده زر تهان دنیان سیستان هرموج مادوان این بلوک گرمسیر سمت جنوب و شرق

کازرون سمت پنج فرسنگ هوائی رعیت نشین فالیش غله و خرما و میوه جات نکار رایج فلکه کنک و شهر آش

از چشمه و قنات قصبه جهرم محجب بجهار هزار خانه دارد سایر از نجاه الی صد و نجاه خانه دارد جویم و بید شهر جویم هرم جویم

کرده بید شهر هرم جلادر فلات ده میش شهرستان حسن اباد کاروان بلغان ده داغه زیر و

سرکار کلون بهرویه لاغرو جنان شمس اباد جلال اباد مادی این بلوک گرمسیر سمت جنوب و شرق

سرار سمت سه و نیم فرسنگ مکوش سلاح ور فالیش خرما و غله و تنباکو نکار رایج فلکه اهل آش از باران و اطرار ...

شمار جهار خانه الی دویست خانه دارد جرم زکی سمیس شیب نیک گوده دهگاه سرجان اهلک بالاده

قصرمح بیدکان جلبقیان حسن اباد لیرادی حسین اباد سرشهد و ... قنات این بلوک گرمسیر

جنوب مایل مغرب سرار سمت سه فرسنگ اهل رعیت نشین فالیش غله و برنج و تنباکو نکار رایج ... و اهرود ... حومه

و شهر آش از رودخانه هر قریه شمار زیست خانه الی صد خانه دارد حومه قصر الدشت قلعه گشن ده کرده کته ایش

خوارک لطف اباد عادل اباد جمال اباد قصر قمشه جویم ده کوهک جهد جشمه الکیره قصر [illegible] بر

... اباد

دولت اباد دهک دوکان برهان اباد جرنیقان فریادجان سرفردان کهرک شمس اباد

احمد اباد سغاد ظهرک بیکونک دبالنک دشت جرد نصر اباد کشکان تفیهان

سهل اباد کردخن علی اباد سلطان اباد شیخ جوبان چکل احمدی مغزاباد دودمان شاهجان

ایرد خواست لای بشه جمع دوران کرنک مراد بروج شرف اباد معزاباد جالیه کرابی

میان کوه بچیرویه فلات نژول جلادر امیر اباد دیکان قصر ابو زید حسین اباد احمد اباد

شاه مقتلی شاه پرجان سینکان برم تزور زرقان شیخ نبو لیرلی کیان اباد

کغری کرانه درنخان خرجل جمال اباد حومه کنه از قرار جول و جوش سرارات گمکش رعیت

بیشه فالیش غله و برنج و غیره و انواع میوه جات نکار رایج اهل و کنک آش از چشمه و قنوات هر قریه شمار از بیست خانه خشت

الی صد خانه دارد خشت و کمارج خشت کمارج باف رودک بورکی سکی بورکی داغانه

بکرزی حمیله ایلانی کوری کاه جاره رح امامزاده جمال دین مفضری نزول سیاه منصور کوره رخ

دشت کور این بلوک معروف سرار سمت ... فرسنگ اهل سلاح ور فالیش غله و خرما و غیره و تنباکو و غیره نکار خورموج

رایج فلکه حمک ... آش از چشمه و رود خانه قریه خشت ... خانه الی دویست خانه دارد خورموج جبرئیل

خورموج عزی قلعه بروی آب بره ... این بلوک گرمسیر سلاح ور جنوب مایل مغرب سرار سمت جهار و نیم

فرسنگ فالیش خرما و غله و تنباکو آش از باران و چشمه و اطرار هر قریه از بیست خانه الی سیصد خانه چشمه موسانی ... قلعه [illegible]

کوکرد و زاغ سیاه در این بلوک است و این بلوک ملک ... بجهت مولف ... طول جلکه اش از ...

مشهور به ... قریه ... [illegible] ... معروف ... [illegible] ... میرزا [illegible]
[illegible] ... دشتستان ... [illegible]
املاک ... [illegible] ... اولاد ... [illegible] ... میرزا ... [illegible]
[illegible] ... املاک ... [illegible]
سابقه ... میرزا ... [illegible] ... میرزا محمد بیگ ... [illegible]
و قلیل از ملوک دشتستان ... [illegible]
[illegible]
از کثرت عمارت ... [illegible]
[illegible]
المهامی ... دشتستان ... [illegible]
المنافع املاک ... [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

خنج

و ابتدای ... خنج ... شده ... باغات ... گذشت ... ان
جمله ... [illegible]
[illegible] ... خفر ... اسمعیل اباد ... [illegible]

خفر

شهر ... گراده سرزمان بادکان بادکان کرکان ... نادوان کرف ...
اباد ... غزنه ... سعاده جزه زیتون مزرعه ... فال ... باغ ...
[illegible]
[illegible]

خفرک

خفرک ... شمس اباد اسمعیل اباد ... حسین اباد ...
... میان قلعه ... غیاث اباد ... روزبان رحمت اباد قوام اباد ...
قصر ... احمد اباد ... زین اباد عباس اباد خالد اباد قاسم اباد علی ... اباد احمد اباد
سعادت اباد مظفری عماد اباد فتح اباد کناره فاروق فیروزی ... اباد ... اباد ...
... اباد زنگی اباد رفیع اباد شمس اباد عمرو اباد حسن اباد ... اباد ... اباد کارکان
شده ده بید حاجی اباد ... [illegible]
[illegible]
[illegible]

خواجه

بزن عمارت خرمی آورده و مشتمل بر شهر معتبر زنجت و نیمور از اول صحرای خرگ تا ولایت عرصه محدود است بهین ترتیب عمارت کرده های
نمای چهار شتون که امروز از رسوم [illegible] و عمده و ترکستونهای بی‌تابات ظاهر و هویداست که در هیچ بقعه از اقالیم سبعه امثال آن [illegible]
نشان این شاهره عمارت [illegible] است **خواجه** خواجه سیرزکان برنجران سعیده جرکان کرنگ قاسم بابا ارباب
بشقان بیرفقان مکو کرنگ بنی جاه اباد اسمعید اباد ابراهیم اباد دارکان این بلوک معتدل
جنوب از اکثار ارباب [illegible] فرسنگ گوش رعیت بنه حاصلش غله و برنج [illegible] هر قریه شمار ربست [illegible]

خنج

دشتی کاکی باردوله کرک حسن حیدری بهری کوسه برم حماد جاه حسین جمال طویل کلک
فقیه حسنان لاور کردوان گزدراز کبکان قلات محمدان آبدان کمک شیخان
سیله تنا تنبه درویشی بافان طسوج کاروبه سهو طلحه فاریاب سلمک ریز برکان
پوسکان تنگ ارم کلمه جون مورد جنر برستان دبه دک سروستان رودخون بیارت لطانه
کرخو زکر جاه بهن جچله فقیه احمدان جرقدر حیدری جم کور تا به دار این بلوک گرمسیر کنار
بحر العجم جنوبی از اکثار جهار و نیم فرسخ گوش سلاح [illegible] و شراکثر حاصلش خرما و غله [illegible] اهل این اراباران و [illegible]
چشمه هر قریه شمار [illegible] **داراجرد** قصبه داراجرد تاج اباد دسیان ده [illegible] اباد
برفران لرم زیراب ده خیر علیا ده خیر سفلی نوادکان یوزکبر کرنگ نو کاظم اباد دیران کرکشان
غیاث خکاب بایرج دوکنان بیاده قلعه نو سیاهان رزکران آب شی دشت بند حسن اباد نیراب

شاهیجان

شاهیجان جورجان تیردان هیران ده کلکان حسن اباد شروان مبارک اباد جمسی جوبان
برکان بنجت جرد شهنان شمس اباد هفرجنه بادوان حسویه [illegible] اباد علی اباد ساجان خلیل اباد
ده کویه عرصه ولایت داراجرد صحرای دلگشا زراعتخیزیست و قصبه‌اش با صفا و از جهات ارض زمین مرغزاری محفوظ از باد شمال و اب
و هوایش بروح پرور و امراضها موافق روضه‌اش با فضا اسکان [illegible] دو صحرا و سرسبز و طراوت باد و ریاحین
کنارش و ارش [illegible] این جلگه مسافت سی و پنج فرسخ در سی فرسخ [illegible] واقع هیچ فرسخ طول و ارتفاع فرسخ [illegible]
اوست اگرچه [illegible] گرمسیرات است اما در کمال اعتدال است و با [illegible] میوه سردسیری و گرمسیری دارد
دو طراوت سردسیر و گرم همه جورش [illegible] برآوردن عمارت و [illegible] گوش [illegible] بهشتی
و قنوات وافره و چشمه بسیار [illegible] حاصلش غله و [illegible] و خرما و [illegible] و پنبه و [illegible]
و [illegible] رنگ [illegible] و [illegible]
اسمان [illegible] فراوان [illegible] هر قریه از [illegible]
دالکی [illegible] دالکی اباد سمل ابوالفرز کندم ریز سرکردوان بی را بزرگات این بلوک گرمسیر
گوش سلاح و [illegible] حاصلش خرما و غله [illegible] از سمت مغرب مسافت سی فرسخ [illegible] معدن [illegible] و نفط سیاه
[illegible] **داراجرد** داراجرد نصراباد منصوراباد
اماوه بازاباد فخراباد حسن اباد قاسم اباد ابراهیم اباد زرداره نگارستان کرنگ بهرام اباد جمسی
[illegible] زرکران مجداباد نرسنجان اسفندران اسمعید اباد فتح اباد جهان اباد جبنان بیرجان [illegible]

دالکی

داراجرد

سياج

اوكان زرقانك بل نو بارك كودرزنك دولت اباد فالونك خيراباد مقبل اباد ملك اباد مقبل اباد
ملك اباد ايم بلوك بردسير جلكه سنده ايكيشر ساعتلك مسافت ... زراعتى ابريشم عنبيه وغيره حاصلات غله ودوتيكيه اوچ اوزره خانه ...
شهر ريت ايكيوز بش خانه واردر ديواه زرباه تل سركو تل قامل نفراقاى عمرايى سده محمداباد دروكه
اختام حويت ايش بلوك كرميسير معتدل ايكيشر ساعت مسافت بش وجهار فرسنك عموما سلاح ورز حاصلات غله دخى باده ...
زراع ايدن ... خانه ... يكرمى بشر خانه ايكى يوز وكرك خانه واردر سياج سيرج دارنكان بلداكان ميتوان
توراب ده دارى فنات حورابكان كيج باباانور انور دره هيابكان ورنكان ايم بلوك كرمسير
جلكه ايش جنوبى ابراز مسافت جهار فرسنك عموما رعيت بيشه حاصلات غله وغيره وحبوبات زراع ايكى اوز ... خانه و چشمه اوزره
اوزره ... خانه ايكى دولت ... خانه واردر سيرجاهان زيارت ساغر حولنار كلنجكان حاى جهار زار

سيرجان

ايم بلوك بردسير شرق وشمال بير ساعت مسافت ... فرسنك ايكيش رعيت بيشه قبيله اهل سلاح حاصلات غله وحبوبات
زراع ايكى اوز ... خانه و چشمه اوزره بشيوز يكرمى خانه ايكيوز بش ... خانه واردر سيميس سيمرم خانه كرم اباد
دركرد كاكان ايش بلوك كرمسير ... مسافت بش جهار فرسنك ايكى ... حاصلات غله وزراع وحبوبات ايكى اوز چشمه
اوزره خانه ... يكرمى خانه ايكيوز ... خانه واردر سروستان سروشان ارزو زنك كرستان كنو

سروستان

خسرواباد خيراباد حسين اباد كته جنيد محمداباد نقرااباد رباط قلات بيت اللهى سيف اباد كت
بشت زحمت اباد حسن اباد امراباد ايم بلوك بردسير جلكه ... ساعت شرق مسافت ... زراع گوش

بجزو

دار صيمكان

بنار عباس

ربع بيشه قلعى اهل سلاح حاصلات غله وحاكم ونفر وبره كلاهى ايكى ... اوزره حبوبات قصبه بجكانى ... خانه ... واردر
ايكى يوز بش خانه سرحد جهار ... ده كرد وارمان حسروابن سره ايش بيس مهكان حاج اباد ... زنك ارزو
شهريان نظام اباد باريجه خنجنك كافر كردزل ايزد حويت ايم بلوك بردسير ايكيشر ساعت ...
... زراع گوش رعيت بيشه قبيله اهل سلاح حاصلات غله وحبوبات وغيره ايش اوزره خانه و چشمه اوزره ...
... خانه واردر ... ايكى يوز ... خانه واردر ... ده وشتان ده كهنه تويرى اكرباى حره
محمد حاجى ده داران ده داران عليا شاه فيروز شكدان سرو خليفه جعفر زرع جعفر ... علی
جاوس حوشكر نصر سكارى دشتى درواجى جابريج زنكى كن دكان ... ايم بلوك
كرمسير ... مسافت ... فرسنك گوش سلاح ورز حاصلات غله ... واهل ... قبيله ... زراع
ايكى ارباب ... خانه واردر دار صيمكان كنارويه كرنك كراده
ني باركان دوزه ... سار زاد شاغان براق كاكرن مركان محيط فرهادى جعيم
كرزاع اغان كنكون اشعون كلابخرى جرشت مودخوق ستان كلانكى دشت دال
ايم بلوك ... مسافت ... زراع گوش رعيت بيشه وقبيله اهل سلاح حاصلات غله
وخرما وغيره زراع ايكى ... و چشمه اوزره ... خانه ... واردر عباسى ميرزا عباس وتوابع
شميل ... وتوابع ايم بلوك كرمسير ... اوزره ... مسافت ... زراع ايكى
سلاح ورز حاصلات خرما وغله ... ايكى ارباب ... خانه ... خانه واردر

بلوک عسلویه

از این قریه‌ها ای که خانه دارد عسلویه علویه بیدخون نابند تنگ تقی خند برویش کرنگ نار این بلوک که بر
کنار بحر عجم جنوبی شیراز بمسافت پنجاه فرسنگ گوشش آن است سلاح محصولش خرما و غله این از باران بندر عسلویه تنگ چهار صد خانه دارد
بندر سیراف در زمان ایام از بنادر معتبر بوده اینک خالیه در بلوک حرای قریه طاهری رسوم الاطلال و آثارش ظاهر در کنار راست
فیروزاباد جاوشت کرنگ دهنو مرمیدان ده‌موت گلکت خوید باغ شاه گلیبان احمدآباد مارژ
ده نو بزدون ده‌مین دولت‌آباد خورجان لهراسبی گنک شاه‌برد این بلوک که بر پیابه جنوب شرقی شیراز از
مسافت هجده فرسنگ گوشش هوا معتدل محصولش غله و حبوبات برنج و پنبه و تنباکو این جمله دراج و تیهو و کبک از وحوش خوک و آهو و شیر
از رودخانه هر قریه بستان [illegible] قنات و دیگر خانه دارد فیروزآباد در قدیم از شهرهای معتبر بوده شهری بزرگ بوده [illegible] عظیم
و خندق عظیم و نعمتی داشت اسکندر رومی در تسخیر آن چنانکه سعی نمود [illegible] آخر الامر آب رودخانه در عمارت شهر انداخت
چون شهر [illegible] تا تاریخ جمع آمد شهر ویران و بحیره شد از [illegible] در عهد سلطنت [illegible] آن [illegible] حکم کرد
آب [illegible] آن از [illegible] زمین خشک گشت بعمارت جدید اقدام [illegible] فیروز [illegible] بنا نمود
نمود و قسمی فیروزآباد کرده [illegible]

فنا

فسا نوبندگان صحرای شش ده محمدآباد ده میر تنگ کرم کرنگ [illegible]
نصرآباد زاهدان فدشکو بابیان کرنگ مرودی حسین‌آباد [illegible] خیرآباد دهل‌آباد [illegible]
جلیان صغاد [illegible] دستجه فیروزآباد روبر علیا روبر سفلی [illegible] این بلوک که بر [illegible] شیراز
بمسافت [illegible] فرسنگ هوایش معتدل گوشش [illegible] محصولش غله [illegible] دراج و کبک
و از وحوش [illegible]

فراش بند

در این بلوک [illegible] فراش بند [illegible] فراش بند [illegible]

قیر و کارزین

گنبد اوز برنج این بلوک که بر جنوب شیراز بمسافت [illegible] فرسنگ گوشش [illegible] محصولش غله
و حبوبات این از چشمه و باران هر قریه [illegible] قیر و کارزین فرسنگ دوان
مبارک‌آباد خیرآباد کرکی کارزین کرنول خانقاه سرچشمه قیم مصطفی شیخ [illegible] مردوان
خال ده به لیفرجان بهمن دجنت [illegible] فخرآباد علیا این بلوک که بر جنوب شیراز بمسافت
[illegible] فرسنگ [illegible] محصولش غله و خرما و برنج و تنباکو [illegible] هر قریه [illegible]

قنقری

دارد قنقری [illegible] مشکان قشلاق فاریاب جرمی ده‌بید قصر یعقوب حسین‌آباد خورجان
فخرآباد کیان باغ سیاه این بلوک که بر [illegible] شمالی شیراز بمسافت [illegible] فرسنگ [illegible]

کله‌داد

محصولش غله و برنج و پنبه و حبوبات این از رودخانه و چشمه هر قریه [illegible] دارد کله‌داد کوه دارد
جرمی فال [illegible] سنابر [illegible] سرگاه درگاه [illegible] خلیفه [illegible] آباد
دراوی [illegible] کرشت ده نو [illegible] فاریاب [illegible] این بلوک که بر [illegible] شیراز
بمسافت پنجاه و چهار فرسنگ [illegible] محصولش خرما و غله و [illegible] از باران [illegible] خانه دارد
کازرون قصبه کازرون کازرون [illegible] جلیان ابوعلی [illegible]
[illegible] کارزگاه [illegible] سیف‌آباد ملاره درب شاپور [illegible] کادکنک
[illegible] کنده دیکانک [illegible] دوان کلانی عبدوئی [illegible] دارک از
ده‌دشت جروق سرناوه دوان قلعه سفید [illegible] این بلوک که بر [illegible] معتدل
[illegible] شیراز بمسافت [illegible] فرسنگ [illegible] کازرون در کوهستان [illegible] این بلوک از وحوش خوک

دار طهور دراج و کنگ محصولی غله و برنج و تنباکو و اکثر اراضیسی اراضی مرتفعه و چشمه و قنوات کاریزدن آقار حضرت شیخ در بهبه طهورث حسن
چون شیخ بودن اردکان بن ازره شیرا بکان شهرث بودر حسن کاروزا ازنجاع شیخ بود کرده فیروز بهرام اراشهر کنکان
قبادیران ارقنو شهری معظم شده کهن برعمارت شهر متفرق قلعه و باروی خرابه و ابنا شهر سیدار طهورث بنا کرده اسکندر دوره
عجم چون خراب کرده اسکندر اراده قیصر شیخ بوده ارد شیر دخی ره تخریب بکه بر محکم نمود بر کمال عمارت ارد و دخی شیخ ابی شهر تاریخ ادن
ره حصاردن بوره ایلکنه اشبو ره ام دار طرف دکران شعب ...الکامل شهر بنا ردی خان اسکندر خرابتی ایدث
قصر کاررون بیک ... شیمی برده اولکه دهکاه خانه وار کنکان بندر کنکان بنک ملک بیان لو طاهری
پرک خیرابن بولک کرمنز ... دخی ره برنج محصولی سلیع دار قاش غله و خرما اکثر ارباردن بندر کنکان
شیخ بحیم خانه دار ... لی اراسال است ... بولک ... بر دیاری دره ای ساکن نیت بسیار فراوانش اباد و معمور
هرنک شمالی ... دهکاه خانه دار ای جماعت خانه وار کوه مره ماصرم سنگشت ماصرم کره کاو بهاره میرجان
سنجان بیکلی کراج ده بنود کورزک رحی ته کاله اب برد ده کرد بر سنگشت دشت اردره
فاموریان فرک چارمکان سرخی سرک سراب جمال خانه جنیس چار فاریاب دره دریابک
رخشانه ده ترک فامنک نوجین ایم بولک سرکروه کنکاس جنوب ... شیراز ... بر برنج کموش
جعت نیش طلیعه ... سلیع ... و چشمه محصولی غله و حبوبات و انکور و انجیر و بلوط ... قوت غالب ...
کنک هر قریه ارای ... خانه وار کیهن کیلک کمران سرخره قصر الدشت حسن اباد اکبر اباد ایم بولک
برابر طلبی ... شیراز ... محصولی غله ... وهره ... انکور ... ادرده قنات
و قنوات ... دهکاه خانه ای جماعت خانه وار کمال هلال اباد کربک دهخان سنغ کمجان کرازن

بندر کنکان

کوه مره

کیهن

کمال

بلوکی

سال بهی عز اباد مران هلال اباد زین اباد حسن اباد کرکی سعد اباد هراب اباد طاینه بهی دارار شهر اباد
کوک کرمخان سقا اباد هاشم اباد ابراهیم اباد مهر اباد بهرام قاضی اسمعیل اباد فرج اباد طغان سلطان اباد
نور اباد رکان ده نو فشتقه جز اباد سلطان اباد حسن اباد لاهیجی شهر قاضی کورکبر منصور اباد
محمد اباد سلاد اباد کریم اباد قاسم اباد حسن اباد جهان اباد نیفخان صدر اباد اتابک فروزی قصر کمال
محمد اباد حارث اباد جیران فتح اباد جبیره سرخه عبد الکریمی سیف اباد محمود اباد سنش اباد برکان
ده کرمانک زیردان نصرت مهران روبهقان رحمت اباد فرج اباد خرم اباد قصر فخر سلاد اباد
زفنک کلاتری سقا اباد قصر فخر محمد اباد کرنک نعمت اباد بند امیر طایفه دره دشت خرامه
سمکار اباد جبارر مغرب شهرکان سفت اباد کاو کان قوام اباد قشلاق خرم اباد ملک اباد
حبیب اباد شهاب اباد بوبحر دهقانان ملک اباد دیدان مزارات خیرابه ایم بولک سردسیر اولوب شهر فیلکه بن
شرقی شیراز ... محصولی غله و برنج ... هر قریه ای ... دهکاه خانه وار کواد مظفری
قصر احمد درک علیا درک سفلی دلنک نوروز اباد کار محمود اباد رزده فرهد جناد طسوج بافان
فتح اباد علیا سفلی اباد زنجیر و حکوان سه سو کوچان هرباغ باغ انار جم کرد کدو لایبان
دشت جمی حسن اباد قیصره ایم بولک سردسیر ... شیراز ... محصولی ... غله ... برنج
و غله ... هر قریه ... دهکاه ... خانه وار کوه کیلویه بهبهان جز اباد قلعه سرتنگ چار اسیاب
کردستان فالند تنگ تکاب دوداکه کیکاوس طشان کلاب ده دشت قلعه بید جرام طسوج ارد

کواد

کوه کیلویه

بانت ودبارک کناده بسیر برک شاه بهرام سادات رهنما شاه قاسم زبری محموداباد بابیج
سبرز پراتکفت لوا سرکهکی محمار چهاربرار باغ ملک باغ کل بیلی سرات عسکری جم
ده بنه سادات اباد قلعه حسی جم ارغون محموداباد لنجر علیا لنجر سفلی خوله کرت قهنا درهک برج [illegible]
کرکری قلندری کنارهکوه بنه اسمعیل داودی مظفری خرابه کاکران بنه احمد سیاه کرن بابا جنیی
کاه ورد برابیج کادرز امام حسن حصاره چاه تیخ کره کزلوری کریه بید و اعتبار باکلی بابیج
کار بنه جماله بند دیلم ایچ بید و دیلم [illegible] در شهره و [illegible] قریه [illegible] سمت [illegible]
چهل [illegible] لارستان وسبعه [illegible] محالات [illegible] سمت جنوب و سمت غربی [illegible] مشرق و شمالی [illegible]
دماتش [illegible] کرمسان [illegible] رغبت [illegible] اهل اسلام و قطاع الطرق [illegible]
قوت غالب [illegible]
متعدد انواع [illegible]
[illegible] معروف [illegible] نوراحمد قولی طیبی [illegible]
جردم افاجری [illegible] دیمی [illegible] کامغیروز معین اباد
[illegible] اباد [illegible] قلعه جهاد باغ زنگان کردین بکدان بید مشهد لیرنجان ترل
دکان [illegible] جم [illegible] عباس اباد [illegible]
[illegible] لارستان وسبعه
لار چاهکاه چاه [illegible] کهنه [illegible] خرناب [illegible] کهن [illegible] ده کوه کوره ده

کامغیروز

لارستان وسبعه

بران

دبران [illegible] کرشت [illegible] خلیلا عماره ده اباج [illegible] عوض جراش [illegible]
[illegible] اباد باغ نصیراباد ارد حسن اباد بارویه [illegible] ملائی اختیار ایه [illegible] شیخ عامر [illegible]
[illegible] کل [illegible] کره زا فخراباد خشت [illegible] رکن اباد زالکه [illegible] کوهیج فرامرزی [illegible]
کوده [illegible] دالان هرنک انوه هرمز [illegible] مرزوقی بیدو کاوبندی دشتی اختیار لار
کوردان [illegible] زالکه [illegible] ردور فراق بردول [illegible] برده اشتر [illegible]
عبیدل [illegible] رستاق رستمی عراق فره بسطین چاه مبارک [illegible] سهمان [illegible]
سهمان [illegible] بندو [illegible] بندرشیو بندرنخام بندرنخلو بندر بند بندر قلات بندرحیرو بندر [illegible]
بندرباروبه بندرارکنا بندرمبارک بندر [illegible] بندرغفان بندرکتانه بندرلنکه بندرکنک بندرمحمدی
[illegible] کردودان احمدی کلشن بیرود بیربند فین کهره ماران [illegible] طارم [illegible]
[illegible] کلاکاه [illegible] دراکاه [illegible] نصیراباد [illegible] رضوان رستاق [illegible] سیستان
[illegible] اباد [illegible] اباد [illegible] سیاه [illegible] رودخانه [illegible] سادات اباد [illegible] کنج چاه [illegible] تزرج [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لارستان

بود چون استقلال [illegible] در [illegible] و [illegible] آنکه [illegible] گاهی [illegible] در کان [illegible] از سمت لارستان [illegible]
خان [illegible] الدوله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بعد از [illegible] حکومت [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حکومت [illegible]
[illegible] محقق [illegible] [illegible] [illegible] سعید [illegible] و [illegible] علاقه [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و چشمه [illegible] غله و [illegible] و [illegible]
[illegible] ده [illegible] مایین مایین سعادت آباد کرکان کندازی امامزاده اسمعیل [illegible]
سرابر [illegible] [illegible] گوش [illegible] و چشمه [illegible] غله و [illegible] [illegible]
میمند قصبه میمند [illegible] ده ماهه [illegible] [illegible] مشرق و جنوب [illegible]
[illegible] غله و [illegible] و [illegible] کل [illegible] و [illegible] و چشمه [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] کمال [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کسی [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مشهد ام النبی مرغاب ده [illegible]
[illegible] مشهد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] غله و [illegible] [illegible]

مایین

میمند

مشهد ام النبی

الرقه

ممسنی

[illegible] ممسنی [illegible] [illegible] دشت [illegible] ده [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] مشایخ [illegible] [illegible] [illegible] طایفه [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] غله و [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] و چشمه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] رستاق ده چاه سیف آباد [illegible]
[illegible] [illegible] قطره [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

نیریز

از جمله بالاخانه‌ها ... صنوف ... در شهر شیراز ... بازار ... و همه اوقات ... علمای اعلام

و در حفظ ... و ... اعاظم ... و ... تحریر ... و اعانات

جمعی از ... و ... در ... مسائل ... و ... عالی ...

... جمعی کثیر ... از ... علما ... فضلا ... و ... از ...

ایمان ... از ... علمای ... و ... و فضلا ... و ... از ...

و ... علما ... از ... سید ... عالم ... معروف

... و ... از ... فضلا ... و کرامات ...

معجزات و خوارق عادات ... جمع ... شوند

از ... ملوک ... و ... ملوک

... و ... امارات ... دام

... و ... الفضل

... ملوک ... کشیده

... فارس ...

... فارس ...

... فارس ...

حکم ... مصطفی قلیخان ...

[illegible]

گذشته روانه ... قصبه ... آقا ... مصطفی قلیخان که

سپاهی ... و ...

... دشمن از کار ...

... ملاقات ...

... و ...

... ولایات ...

ذکر شمه‌ای از احوال ایلات فارس ... و ... قشلاق و ییلاق

قشقایی ... و ... معاملات ... و ...

خلج ... و ...

... قشقایی ... طایفه

قشقایی ... خلج ... طایفه ...

عرب ... ملک ...

... طایفه ...

مملکت فارس ... طایفه ...

... طایفه ...

طایفه خلج ... طایفه عرب ...

... طایفه ... قشقایی ...

... قشلاق ... ییلاق ... طایفه ...

طایفه بهمئی [illegible] در سرحد چهاردانگه و قنقری تیستان در سرحد [illegible] و کتل [illegible] جبال مرتفع [illegible] سکنا دارند
گوش [illegible] و یک [illegible] قلعه [illegible] فاید [illegible] و [illegible] هر یک [illegible] سلطان [illegible]
[illegible] و [illegible] هر یک [illegible] بحرین [illegible] قلعه [illegible]
سلاح وزارت منش تخمینا [illegible] هزار و چهارصد خانه و اینها [illegible] از طوایف [illegible] تیستان چهاردانگه [illegible]
[illegible] دارالحجر و [illegible] سلاح ورزند و قطاع الطریق تخمینا [illegible] هزار [illegible]
دارالطوایف متفرقه مختلفه اردوشیری و [illegible] کرانی [illegible] مال الحدی [illegible] سلاح [illegible] اردوشیری

اردوشیری

[illegible] سوار [illegible] عرب [illegible] و معیشت [illegible] قریب [illegible] هزار [illegible]

ذکر خلیج العجم و جزایر واقعه در این خلیج

این شعبه دریا فیما بین فارس و عربستان واقع شده ابتدایش [illegible]
از [illegible] بلوچستان و [illegible] بصره است طول این خلیج [illegible] و عرضش [illegible]
عمقش زیاده از [illegible] جزایرش از قرار تفصیل بحرین خارک [illegible] قیس
ام الکلم جزیره [illegible] جزیره [illegible] [illegible] [illegible] قیس [illegible] هندرابی هنجام [illegible] ام الکرم
ام البخله ام الحطب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] فارسی [illegible] قرین قران و چند جزیره [illegible]

ذکر جزیره بحرین [illegible] جزیره [illegible] بحرین [illegible]
[illegible] جزیره [illegible] بحرین [illegible]
[illegible]
[illegible] اعراب [illegible]

از اطراف

از اطراف و اکناف [illegible] خوارج [illegible] جزیره [illegible] مجمع [illegible]
[illegible] جزیره [illegible]

جده

جده [illegible]
[illegible] جزیره [illegible]
[illegible] جزیره [illegible] اسلام [illegible]
[illegible] علمای کرام [illegible]
[illegible] ممالک اسلام [illegible]
[illegible]
[illegible] حکام فارس
[illegible] جزیره [illegible] سلطان [illegible] اسلام [illegible]
[illegible] جزیره [illegible]
[illegible] فارس [illegible]
[illegible] جزیره [illegible] کیستان
[illegible] جباره [illegible]
[illegible] فارس [illegible] بحرین [illegible] جباره [illegible]
[illegible] بحرین [illegible] فارس [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible] بحرین [illegible]
[illegible] سلطان [illegible] احمد [illegible]

[illegible] در سنه [illegible] **جزیره خارک** [illegible] جزیره [illegible] در [illegible]

جزیره خارک

[illegible] جزیره [illegible] که [illegible] از [illegible]

[illegible] از [illegible] دولت [illegible] از [illegible]

[illegible] جزیره [illegible] جماعت [illegible] جزیره [illegible]

[illegible] جزیره خارک [illegible]

[illegible] از جزیره خارک [illegible]

[illegible] جزیره [illegible] جزیره خارک [illegible]

[illegible] و [illegible] جزیره [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible] جزیره خارک [illegible]

[illegible] جزیره [illegible] از [illegible]

[illegible] جزیره خارک [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] از جزیره خارک [illegible]

[illegible] جزیره خارک [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible]

[illegible] جزیره [illegible] جماعت [illegible] و [illegible]

[illegible] از [illegible] جماعت [illegible]

[illegible] جزیره [illegible] جزیره [illegible]

[illegible] جزیره [illegible]

[illegible] جزیره [illegible] از [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible] انگریز [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible] جزیره [illegible]

جزیره هرمز

[illegible] انگریز [illegible]

جزیره هرمز [illegible]

در [illegible] جزیره هرمز [illegible] جزیره [illegible]

مظفرالدین ابوبکر [illegible] سعد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بهاءالدین [illegible] جزیره [illegible]

داخل

ابن شیخ جمال الدین طیبی [illegible] جزیره قیس [illegible]

[illegible] جزیره [illegible] حکومت [illegible]

[illegible] جزیره [illegible]

[illegible]

[illegible] جزیره [illegible]

[illegible]

[illegible] جزیره [illegible]

[illegible] جزیره [illegible]

[illegible] جزیره [illegible]

[illegible] **جزیره قیس** [illegible]

[illegible]

عبد الله [illegible]

[illegible] جزیره [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جزیره [illegible]

[illegible]

جزیره قیس

[illegible]

و [illegible] جزیره [illegible]

[illegible]

[illegible] جزیره [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جزیره [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جزیره [illegible]

[illegible]

[illegible]

برقرار بود [illegible] سلطان [illegible] فارس [illegible]

[illegible]

[illegible]

ربع مسکون [illegible] حکمای فرنگستان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اسیا یا آسیه [illegible] **اروپا یا یوروپ** [illegible]

آفریقا یا افریکا [illegible] **امریکا یا ینگی دنیا** [illegible]

[illegible] **اوقیانیا یا استرالاسیه** [illegible]

[illegible] **بحر محیط** [illegible]

[illegible]

[illegible] **بحر پاسفیک** [illegible] **بحر هند** [illegible] **اتلنتیک** [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۲۶۱

در سنه [illegible] **اسیا** [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **ایران** [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **خلیج فارس** [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **طهران** [illegible]

[illegible] اصفهان قم کاشان قزوین زنجان تبریز اردبیل خوی همدان کرمانشاهان

بروجرد یزد مشهد مقدس نیشابور سبزوار کرمان رشت آمل ساری استراباد شوشتر

[illegible]

[illegible] ایران

[illegible]

[illegible]

از روزگار … طبقه اول پیشدادیان کیومرث … طهمورث

… جمشید … ضحاک هزار سال فریدون بن … منوچهر …

نوذر … افراسیاب … زو بن طهماسب … گرشاسب …

… طبقه دوم کیانیان کیقباد … کیکاوس … کیخسرو …

لهراسب … گشتاسب … بهمن … همای …

داراب … دارا ابن داراب … اسکندر … طبقه سیم

ملوک طوائف … اشک …

… اشک … شاپور … بهرام … بلاش

… بلاش … بلاشان … اردوان

… اشغانیان … اردوان … اشغ …

خسرو ابن اشغ … بلاش ابن اشغ … نرسی …

اردوان … طبقه چهارم ساسانیان

… اردشیر بابکان … شاپور … هرمز

… بهرام … بهرام … بهرام … نرسی

هرمز بن نرسی … شاپور ذو الاکتاف … اردشیر … شاپور

… یزدجرد … هرمز … فیروز … بلاش بن فیروز

قباد بن فیروز … انوشیروان … هرمز … بهرام چوبین

… خسرو پرویز بن هرمز … شیرویه … اردشیر بن شیرویه … شهریار

… نوذران … آذرمیدخت … فرخ زاد بن … یزدجرد …

… … …

… … …

… … …

… طبقه خلفاء راشدین اول عمر خطاب … عثمان ابن عفان …

امیر المؤمنین … امام حسن علیه السلام … طبقه دوم

… اول معاویه … یزید بن معاویه …

مروان … عبد الملک بن مروان … ولید بن عبد الملک … سلیمان بن عبد الملک

… یزید بن عبد الملک … هشام بن عبد الملک … ولید بن یزید …

یزید بن ولید … ابراهیم بن ولید … مروان حمار … طبقه سیم بنی عباس سفاح

… المنصور بالله … المهدی بالله …

… الهادی بالله … الرشید بالله … الامین بالله

… المامون بالله … المعتصم بالله …

الواثق بالله … المتوکل علی الله … المنتصر بالله …

المستعین بالله … المعتز بالله … المهتدی بالله … المعتمد علی الله …

المعتضد علی الله … المکتفی بالله … المقتدر بالله … القاهر بالله

… الراضی بالله … المتقی بالله … المستکفی بالله … المطیع بالله

… الطائع بالله … القادر بالله … القائم بالله …

المقتدی بالله [illegible] المستظهر بالله [illegible] المسترشد بالله [illegible]
الراشد بالله [illegible] المقتفی بالله [illegible] المستنجد بالله [illegible] المستضیء بالله [illegible]
الناصر لدین الله [illegible] الظاهر بامر الله [illegible] المستنصر بالله [illegible] المستعصم بالله
[illegible] سلسلهٔ اول طاهریان [illegible] طاهر بن حسین
[illegible] طلحة [illegible] عبدالله [illegible] طاهر [illegible] محمد بن طاهر [illegible] سلسلهٔ دوم
صفاریان [illegible] یعقوب لیث [illegible] عمرو [illegible] طاهر بن محمد بن عمرو [illegible] سلسلهٔ سیم
سامانیان امیر اسمعیل بن احمد [illegible] احمد بن اسمعیل [illegible] نصر بن احمد [illegible] نوح بن نصر
[illegible] عبدالملک بن نوح [illegible] منصور بن نوح [illegible] نوح بن منصور [illegible]
[illegible] منصور بن نوح [illegible] عبدالملک بن نوح [illegible] سلسلهٔ چهارم غزنویان سلطان محمود
[illegible] سلطان مسعود [illegible] محمود [illegible]
[illegible] سلسلهٔ پنجم [illegible] عماد الدوله [illegible] رکن الدوله
[illegible] معز الدوله [illegible] عضد الدوله [illegible] مؤید الدوله
[illegible] فخر الدوله [illegible] مجد الدوله [illegible] شرف الدوله
[illegible] صمصام الدوله [illegible] بهاء الدوله [illegible] سلطان الدوله [illegible]
شرف الدوله [illegible] جلال الدوله [illegible] عز الملوک [illegible] ملک رحیم [illegible]
ابو منصور [illegible] سلسلهٔ ششم سلجوقیان طغرل بیک [illegible] الب ارسلان [illegible]
[illegible] سلطان ملکشاه [illegible] برکیارق [illegible] محمد بن ملکشاه [illegible] سنجر [illegible]
[illegible] محمود [illegible] ملکشاه [illegible] محمد بن محمود [illegible] سلیمان
شاه [illegible] ارسلان [illegible] طغرل [illegible] سلسلهٔ هفتم خوارزمشاهیان

[illegible] سلطان تکش [illegible] محمد ابن [illegible]
[illegible] سلطان جلال الدین [illegible] سلطان غیاث الدین [illegible]
[illegible] سلطان غیاث الدین [illegible] طبقهٔ چهارم
[illegible] چنگیز خان [illegible] اوکتای قاآن [illegible] کیوک
خان [illegible] منکو قاآن [illegible] اباقا خان [illegible] احمد [illegible]
[illegible] ارغون خان [illegible] کیخاتو [illegible] بایدو [illegible] طغاجار [illegible]
غازان خان [illegible] سلطان محمد خدابنده [illegible] سلطان ابوسعید [illegible]
[illegible]
[illegible] چوپانیان و ایلکانیان و اینجویان و آل مظفر [illegible]
[illegible]
[illegible] طبقهٔ پنجم سلاطین گورکانیه [illegible]
[illegible] شاهرخ [illegible] سلطان محمد [illegible] بایسنغر [illegible] میرزا [illegible]
[illegible] سلطان ابوسعید [illegible] سلطان حسین [illegible]
[illegible] قراقویونلو [illegible] آق قویونلو [illegible]
[illegible] سلطان خلیل [illegible] یعقوب [illegible] بایسنقر [illegible]
[illegible] احمد [illegible] الوند [illegible]
[illegible] سلطان مراد [illegible] طبقهٔ ششم سلاطین صفویه [illegible]
[illegible] شاه طهماسب [illegible] اسمعیل [illegible] سلطان محمد [illegible]
شاه عباس [illegible] شاه صفی [illegible] شاه عباس [illegible] شاه سلیمان

[illegible] سلطان حسین [illegible] محمود [illegible]

[illegible] اشرف [illegible] شاه طهماسب ثانی شاه عباس ثالث [illegible] طبقهٔ [illegible]

افشاریه [illegible] نادر شاه [illegible] علی شاه [illegible]

[illegible] شاهرخ شاه [illegible] طبقهٔ [illegible] زندیه [illegible]

[illegible]

[illegible] ابو الفتح خان [illegible]

طبقهٔ قاجاریه [illegible] آغا محمد خان [illegible]

[illegible] محمد شاه [illegible]

[illegible] ممالک [illegible] روم [illegible] ممالک ایتالیا [illegible]

[illegible] مصطفی [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] قیصر [illegible]

[illegible] کافنتین [illegible] قسطنطین [illegible]

[illegible] قسطنطنیه [illegible] سلطان محمد [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] اوروپا [illegible]

[illegible]

[illegible]

بالجمله

[illegible]

[illegible] ادرنه سیل گلگره صوفیه سلونیکا لاریسا

بوکرش پروسا ازمیر دارخصه اسپارته موصل حلب دمشق

انطاکیه حما حمص طرابزون ارزنجان [illegible] سینوب

[illegible] نصیبین ماردین میافارقین عسقلان عکه بیت المقدس

بعلبک بغداد کربلای معلّی نجف اشرف مکهٔ معظمه مدینهٔ منوره جده

[illegible] قاهرهٔ مصر وسویس واسکندریه ورشید ودمیاط

وقوص وطرابلس [illegible] بغداد وشط فرات

[illegible] وسیوپ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] عثمان بیک [illegible]

اورخان بن عثمان بیک [illegible] سلطان مراد [illegible] بن اورخان [illegible] سلطان ایلدرم بایزید بن

سلطان مراد [illegible] امیر سلیمان بن ایلدرم بایزید [illegible] موسی چلبی بن ایلدرم

بایزید [illegible] سلطان محمد ابن ایلدرم بایزید [illegible] سلطان مراد خان ثانی بن سلطان محمد [illegible]

سلطان محمد خان ثانی بن سلطان مراد فاتح قسطنطنیه سی و یک سال سلطان بایزید خان ثانی بن سلطان محمد سی و یک سال
سلطان سلیم خان بن سلطان بایزید [illegible] سلطان سلیمان خان بن سلطان سلیم [illegible]
سلطان سلیم خان ثانی بن سلیمان خان [illegible] سلطان مراد خان ثالث بن سلطان سلیم ثانی [illegible] سلطان محمد خان
ثالث بن سلطان مراد ثالث [illegible] سلطان احمد خان بن سلطان محمد [illegible] سلطان مصطفی خان [illegible]
[illegible] سلطان عثمان خان ثانی بن سلطان محمد ثالث [illegible] سلطان مصطفی خان بن سلطان محمد ثالث
[illegible] سلطان مراد خان رابع بن سلطان احمد [illegible] سلطان ابراهیم خان بن سلطان [illegible]
[illegible] سلطان محمد خان رابع [illegible]
[illegible] سلطان سلیمان خان [illegible] سلطان احمد خان [illegible]
[illegible] سلطان مصطفی خان ثانی بن سلطان محمد رابع [illegible] سلطان احمد خان ثالث بن سلطان محمد رابع [illegible] سلطان
محمود خان بن مصطفی خان [illegible] سلطان عثمان خان ثالث بن سلطان مصطفی خان [illegible] سلطان مصطفی خان [illegible]
[illegible] سلطان عبد الحمید خان [illegible] سلطان سلیم خان ثالث بن سلطان [illegible]
مصطفی خان ثالث [illegible] سلطان مصطفی خان رابع بن سلطان عبد الحمید [illegible] سلطان محمود خان
ثانی بن سلطان عبد الحمید خان [illegible] دیگر از ممالک آسیا افغانستان است و این مملکت [illegible]
[illegible]

کشمیر و توابع [illegible]
[illegible]
کابل است و توابع و غزنین و توابع [illegible]
[illegible]
[illegible] لودهیانه [illegible]
[illegible] دلاور [illegible]
[illegible] کهندل خان [illegible]
[illegible] کاکر [illegible]
[illegible]

سنه [illegible] چون علت [illegible] شهر [illegible] و [illegible] قرار داد شاه شجاع الملک و [illegible]
[illegible] صاحب [illegible] انگریز [illegible] شاه شجاع الملک [illegible]
[illegible] غلام حیدر خان [illegible] عزیز [illegible]
شجاع الملک [illegible] امیر دوست محمد خان [illegible]
[illegible] علیخان [illegible]
اظهار [illegible]
[illegible] امیر دوست محمد خان [illegible]
[illegible] شاه شجاع الملک [illegible]
امیر دوست محمد خان [illegible] سر ولیم نکناتن [illegible]
[illegible] انگریز [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible]
الملک [illegible] افغانستان [illegible] محمد اکبر خان [illegible] سر ولیم
نکناتن [illegible] الکسندر برنس [illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] سر ولیم نکناتن [illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] شجاع الملک [illegible]
[illegible] سنه ۱۲۵۷ [illegible]
[illegible] سنه ۱۲۵۷

[illegible]

شهر کابل [illegible] الکسندر برنس [illegible]
[illegible] انگریز [illegible] لشکر انگریز [illegible]
[illegible]
[illegible] سنه ۱۲۵۷ [illegible]
[illegible] انگریز [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible]
[illegible]
[illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] انگریز [illegible]
[illegible] محمد اکبر خان [illegible]
[illegible]
[illegible] محمد اکبر خان [illegible]
[illegible] انگریز مستر ولیم نکناتن و تریور و مکنزی و لارنس [illegible]
[illegible] انگریزان [illegible]
[illegible] انگریزان [illegible]
[illegible]

سرداران انگریز [illegible] و همه [illegible] جان [illegible] [illegible] در بازار [illegible]
ما جا در پا تخت [illegible] [illegible] [illegible]
تحت تسلیم [illegible] [illegible] [illegible] اموال نقد [illegible]
جا [illegible] سرداران [illegible] پا تخت [illegible] للعلاج [illegible]
[illegible] گردکان [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] انگریز للاعلاج [illegible]
[illegible] روزانه [illegible] [illegible]
[illegible] پا تخت [illegible] دیگر گردکان [illegible]
از [illegible] دنبال آن [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
نصب [illegible] [illegible] [illegible]
فارغ [illegible] [illegible] [illegible]
گردکان [illegible] [illegible] بهمین [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] بلوچستان [illegible]
[illegible]

[illegible] انگریز [illegible] افغانستان [illegible] گردکان
[illegible] مملکت افغانستان [illegible] مختلفه [illegible]
[illegible] دیگر از ممالک [illegible] بلوچستان است [illegible] ایران [illegible]
این [illegible] [illegible] این مملکت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] کوهستان و مکران
و سرحدان و جلوان و غلد و [illegible] قصبه معروفش کلات است [illegible]
[illegible] کیچ مکران بمپور جالق سراوان قزدار
پنجگور [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] بلوچستان [illegible] دیگر از ممالک [illegible]
هندوستان و سند است [illegible] این مملکت [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] انگریز [illegible]
[illegible] [illegible] ممالک [illegible] است و جبال
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]

و منبع این دو خانه از کوهستان ملک تبت است و طایفه [illegible] ممالک عثمانیه است [illegible] جمنه
و این [illegible] متصل [illegible] دیگر رودخانه پور دمپوتر و این [illegible]
[illegible] ملک بنگاله [illegible] دیگر دریای سند است [illegible] عظیم [illegible]
[illegible] ملک [illegible] کلکته است [illegible] انگریز است
[illegible] دیگر [illegible] شهرهای هند
مدارس [illegible] حیدرآباد کالیکوت هوگلی ممبئی پتنه پونه بنکلور آگره
لاهور پشاور کشمیر الله آباد اجمیر لکنو ملتان اسلام آباد
اوجین اندور احمدآباد حیدرآباد سند تته شکارپور خیرپور
برهانپور عظیم آباد اورنگ آباد کلبرگه بیدر بیجاپور [illegible]
ارکات منکلور تنجور [illegible] طرچیناپولی [illegible] که تابع این مملکت [illegible]
معروف و مشهور اند سیلان است و تفصیلش [illegible] دیگر از ممالک آسیا مملکت عربستان است
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] تهامه نجد حجاز عروض

ویمن

ویمن است اما تهامه [illegible] مکه معظمه [illegible]
[illegible] مدینه و طایف [illegible]
[illegible] فدک است و ودعیه [illegible] یمامه و [illegible] یمن است اما یمن [illegible]
[illegible] صنعا زبید دمار عدن مخا جند نجران صعده
حضرموت است و عمان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] طی بقاره عبید شمر عنیزه قحطان نجد عقیل
بنو هلال حدیدیون بنو زبیده بنو صخر است [illegible]
[illegible] صنعا [illegible]
[illegible]
[illegible] عدن [illegible]
[illegible]
[illegible] کوه طور سینا و حوریب [illegible]
[illegible] احکام [illegible]
[illegible] خلیج عقبه [illegible] خلیج [illegible]
دیگر از ممالک آسیا مملکت چین است [illegible]
[illegible]
[illegible]

ملوک و امرای خانچه چین اصحاب ممتد و مشرق است حیث الطول ... العرض اکثر [illegible] در ملک
حدود [illegible] و معاملات با تمام در سر ... و ثغور ممالک [illegible] بغداد و ترکستان [illegible]
[illegible] و تحقیق حالات آن ملک [illegible] و مسلمانان [illegible] معظم
[illegible] 12 [illegible]
[illegible] قلعه [illegible]
[illegible] شهر [illegible] است [illegible]
[illegible] نکین است [illegible]
[illegible] ختن [illegible] است [illegible] ترکستان
[illegible]
اول [illegible] آمای [illegible] هوجو [illegible] تکینک [illegible] شانات [illegible]
این ملک هونک [illegible] نی کینک [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

بر [illegible] ممالک [illegible] چین [illegible]
[illegible]
[illegible]
ممالک [illegible]
[illegible] ترکستان [illegible]
[illegible]
[illegible] ترکستان [illegible] ممالک [illegible] هیدنک [illegible]
[illegible]
[illegible] منکو قاان [illegible] ممالک [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] خواتک [illegible] کنک [illegible]
[illegible] کی لنک [illegible] توکوناک [illegible]
ممالک [illegible] ترکستان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اگلک [illegible]

دیگر از ممالک [illegible] است که پیکوبر [illegible] ممالک [illegible] اکثر [illegible] و [illegible] ممالک است

و پایتخت لویک [illegible] و چنین شهر و قصبات معمور [illegible] عمارات [illegible] است [illegible] جمعیت این ممالک [illegible]

[illegible] هزار [illegible] هزار [illegible] است دیگر از ممالک [illegible] است [illegible]

طول این ممالک [illegible] فرسنگ و عرض [illegible] جمعیت [illegible] لشکر [illegible] هزار [illegible]

[illegible] و پایتخت بوشیه [illegible] تنکوک [illegible] این ممالک [illegible]

[illegible] ده هزار [illegible] و برین [illegible] اعظمی [illegible] است

[illegible] و جمعیت [illegible]

[illegible] این ممالک [illegible] است

دیگر ممالک ملکا و کوچاین چینا و تانکوین و کنی امیه است [illegible]

[illegible] است دیگر ممالک و [illegible] ترجیان است [illegible]

[illegible] تیغون [illegible] است [illegible] طول [illegible]

[illegible] عرض [illegible] ممالک [illegible] کرده [illegible] لشکر [illegible]

[illegible] پایتخت این ممالک [illegible] حاد و منیاند [illegible] جمعیت [illegible] طول [illegible]

[illegible] دیو میکو [illegible] هزار [illegible]

و شهرهای معمور [illegible] ممالک [illegible]

[illegible] دیگر ممالک

[illegible] است طول این ممالک [illegible] فرسنگ و عرض [illegible]

[illegible] پایتخت [illegible] جمعیتش [illegible] هزار است [illegible]

[illegible]

[illegible] و صغد [illegible] است [illegible]

[illegible] معروف این ممالک [illegible] طراز اطرار

تاشکنت ترمذ طالقان اندراب سمنجان قرشی حصار شادمان

اخکت ختلان خوقند خجند فاراب شبرقان اندخود [illegible]

[illegible] ممالک [illegible] طول [illegible] سیحون است [illegible]

[illegible] این ممالک [illegible]

[illegible] است دیگر ممالک خوارزم است

[illegible] جمعیتش [illegible] طول [illegible]

[illegible]

[illegible] ترکمان [illegible]

[illegible] ترکستان است دیگر ممالک سیبیر است

[illegible] طول [illegible] فرسنگ عرض [illegible]

[illegible] ممالک [illegible]

سیبیر [illegible] توبولسک [illegible] کوکتاک [illegible]

[illegible] ممالک [illegible] اسمويل [illegible] است [illegible] ابن‌بیک

[illegible]

[illegible] این ممالک [illegible]

[illegible] قفقاز [illegible] است

[illegible] هزار [illegible]

[illegible] دیگر [illegible] اروپا [illegible]

اروپا

اسپانیه ... [illegible] ... از طرف دریا ... و از سمت شرق ... [illegible]

قسمت ... است **مملکت دولت فرانسه** ... [illegible] ... فرنگستان است ... مملکت ... [illegible]

... [illegible] ... فرنگ ... شهر پاریس است ... [illegible]

... [illegible] ... لوئیس فلیپ ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... شهرهای مشهورش فانتین بلو

لیلان بندر مرسیلز بوردو رواین اورلینز تولوش بزنسنت بندر تولون

لیل استرزبرک بولانک بندر کالیس لهود لوسل اجکسیو کام

پیکن پای تولیس ... [illegible] ... سین رون رین میوس ...

لوادست ... [illegible] ... لوئیس ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ... فراهنلد ... [illegible]

... [illegible] ... کلادیوس ... فردویوس ... چیلدریک ... کلادیس

... چیلدبرت کلادمیر تیری کلاتر ... [illegible]

شود برت ... [illegible] ... کلاتر ... چیلپرت ... سیجبرت چیلوبرت

... [illegible] ...

... [illegible] ... کلاتر ... چیلدبرت ... تیری ...

... کلاتر ... داگوبرت ... کلاوویس ... سیجبرت ... کلاتر ... چیلدریک

... کلاوویس ... چیلدبرت ... داگوبرت ... چیلپریک ... کلاتر

... تیری ... چارلس مرتل ... چیلدریک ... پپین ... چارلس

لوئیس ... لوئیس ... چارلس ... [illegible] ... چارلس ... دابرت

... [illegible] ... لوئیس ... لوئیس ... هیوکپت ...

دابرت ... هنری اول ... فلیپ اول ... لوئیس ششم ... لوئیس

... فلیپ ... لوئیس ... لوئیس ... فلیپ ... فلیپ

... لوئیس ... جان ... فلیپ ... چارلس ... فلیپ ششم

... جان ... چارلس ... چارلس ... چارلس ... لوئیس

... چارلس ... لوئیس ... فرانسیس اول ... هنری ...

فرانسیس ... چارلس ... هنری ... هنری ... لوئیس ...

لوئیس ... لوئیس ... ناپلیون ... لوئیس ... چارلس ...

لوئیس فلیپ ... [illegible] ... کدالوپ ... [illegible]

... [illegible] ... فرنگ ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ... کومینا ... [illegible]

... [illegible] ...

کمال آنجا زیاد و دیگر جزیره مریه به کفلنت و جزیره وسیدا و جزیره سبخنتس و جزیره سنت پیر و جزیره
میکوئلان است و دیگر دولت سنکلست در مغرب افریقا در دو صد فرسخی اسپانیول است و جزیره سنت
لوسی از جزایر انگلیس است در دو صد که معروف است و در تصرف فرانسه و از جزایر قلعه محکمی است و دیگر از جزیره
کارنست در مغرب افریقا و دیگر تصرفات ماندیچری و کریکل در سر حد کرناتک
هندوستان است ... در تصرف دولت فرانسه است دیگر قصبه چندرنگر است در مملکت بنگاله
در ... و دیگر ... در جنب ... هوکلی ... و ... کلکته ... است دیگر
قصبه ماهی در صوبه ملیبار است دیگر ملک الجزایر ... است در ... افریقا ... چون از ... امپراطور
... ناپلیون ... بسیار ... در ... ان ... از ... امپراطور ناپلیون
... ناپارت ... مملکت ایطالیا ... دو جزیره کار میکا ... و ممالک
فرانسه ... که امپراطور ناپلیون در سنه ... هزار و ... خلاف روایات در جزیره ... کرسکا
ظهور ... و ... پارس ... بعد ... امتحان ... منصب
ناپب سلطنت داده ... ترقیات ... کرده ... ولایت ... جمهور ... دران ایام
جمهور فرانسه ... طولون ... طولون ... از ... جمهور
ما ... نفر امپراطور ناپلیون ... منصب ... انگریز ... و
انواع ... مملکت ایطالیا و ... عسکر ... دران سرحد ... از ان
... ارکان ... اصحاب غلبه
... در ... پاریس ... حقیقت

و بجهت ...

و بجهت ... جمهور ... و ... سنه ... هزار و ... اسکندریه و مصر را فتح نمود و ... شامات ... عکه را محاصره
ساخت ... روز ... کشته ... لشکر روس ... طاعون ... و ... مراجعت ... مصر
... حبس ... اختلال ... فرانسه ... مراجعت ... لشکر ... جنرال کلیبر ... عساکر
... بافضلیت ... قونسل ... بجهت ... عساکر ... جمهوریه ... روانه
ساخته کونسل اول ... در سنه ... هزار و ... امپراطور ... نپولین ... بلاد
... بنادرت ... عساکر مملکت ایطالیا ... سلکت ... لشکر ... جنگ ... ماد
ناکو ... لشکر ... و ... در سنه ... هزار ... امپراطور
... ممالک فرانسه ... انگریز ... و ... انگلستان ... و ...
صلح ... جنگ استرلیتز ... امپراطور ... اعظم ... امپراطور ... الکسندر
و امپراطور ... فرنسیس ... ممالک ... فتح و ظفر ... فرانسه
... ماه ... هزار ... امپراطور ... ممالک ... جمهوری ... کیطریقه
... ایران ... در سنه ... هزار ... پادشاه ... امپراطور
... روس ... جنگ ... امپراطور ... پروس ... بیخ ...
... دیگر جنگ فریدلند واقع ... فرانسه ... روس ...
... ساخته ... هزار ... عساکر ... لشکر ... روس
... روسیه ... در سنه ... هزار ... امپراطور اعظم ... امپراطور
... ناپلیون ... شاه ... سنه ...

و عربده لوکیانم [illegible] ممالک [illegible]

[illegible]

دیوک ولینکتون و مرشال بلوخر [illegible]

[illegible] جزیره سنت هلینه [illegible]

دیگر از ممالک اروپا مملکت روسیه است [illegible]

[illegible]

انهارى بعضى [illegible] پايتخت قديم مسكو [illegible] شش صد [illegible] هزار [illegible]
پطرو كبير [illegible] سنت پطرزبورغ [illegible] هزار [illegible]
[illegible] شهر نووغورود و آرخانگل و كيف و ويلنا و وارشاوا و بندر ابو و غازان
[illegible] نووگورود و بندر ازاق و كهرلين [illegible] و سوستوپول [illegible] ممالك ايران
[illegible] شهر تفليس و گنجه و شكى و ايروان و نخجوان و باكو و دربند و قبه [illegible]
[illegible] الكسندر ثانى بن نيقولاس بن پاول بن پطرو [illegible]
[illegible] پطرو كبير [illegible] شمس القلاده [illegible]
[illegible] نيقولاس [illegible]
[illegible] اقل [illegible] اذل [illegible]
[illegible] مسكو و پطرزبورغ [illegible] بحر خزر [illegible]
[illegible] يولغا [illegible] دان [illegible]
[illegible] لنا [illegible] بحر [illegible]
[illegible]
[illegible] قفقاز [illegible]
[illegible] ميكائيل [illegible]
[illegible] الكسندر [illegible] ايوان [illegible]
[illegible] پطرو [illegible]

[illegible]

[illegible] پطرو كبير [illegible] ايوان [illegible] الكسى [illegible]
[illegible] كترين [illegible] پاول [illegible] الكسندر [illegible] نيقولاس
[illegible] الكسندر [illegible] ديگر از ممالك اروپا مملكت و جزائر انكلتره [illegible]
[illegible]
[illegible] انكلتره [illegible] كريت بريتين
[illegible] ايرلند [illegible] كريت بريتين [illegible]
[illegible] اسقوچيا [illegible]
[illegible] لندن [illegible]
[illegible]
[illegible] لندن [illegible]
[illegible]
[illegible] ليورپول منچستر ليدس بيرمنگهام
ناتينگهام [illegible] پاركن [illegible] دون [illegible] هل ادن
برك كلاسكو [illegible] ابردين دندى [illegible] ايرلند
[illegible]
[illegible] دبلين [illegible] بلفست و اترفورد لندن
درى كارك ليمريك [illegible]

اشبو [illegible] جزیره‌نك [illegible] طول [illegible] عرض [illegible] ممالك [illegible]

جمعیتی [illegible] جزیره [illegible] [illegible]

[illegible] ممالك [illegible] ممالك [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] ایران [illegible] ایروپا

[illegible] [illegible]

[illegible] انکلتره [illegible]

اکثری [illegible] ایروپا [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] انکلتره [illegible] **کوین ویکطوریه** [illegible] ممالك [illegible]

[illegible] انکلتره [illegible] **پرنس ادوارد** [illegible] انکلتره [illegible]

[illegible] **ولیم اول** [illegible] **ولیم** [illegible] **هنری اول** [illegible]

استیفن [illegible] **هنری** [illegible] **ریچارد اول** [illegible]

جان [illegible] **هنری** [illegible] **ادوارد اول** [illegible] **ادوارد**

[illegible] **ادوارد** [illegible] **ریچارد** [illegible] **هنری** [illegible]

[illegible] **هنری** [illegible] **هنری** [illegible] **ادوارد** [illegible] **ادوارد** [illegible]

[illegible] **ریچارد** [illegible] **هنری** [illegible] **ادوارد**

لاه

[illegible] **مری** [illegible] **الیزابت** [illegible] **جیمس** [illegible] **جارلس** [illegible]

[illegible] **الیور کرامول** [illegible] **جارلس** [illegible] **جیمس** [illegible]

ولیم [illegible] **مری** [illegible] **جیمس** [illegible] **آن** [illegible] **جارج** [illegible]

ایدابت [illegible] **جارج** [illegible] **جارج** [illegible] **جارج** [illegible]

ولیم [illegible] **کوین ویکطوریه** [illegible] انکلتره [illegible] **و ممالك ایروپا**

از ممالك خارجه [illegible] هندستان [illegible]

سیلان [illegible] [illegible]

[illegible] جزیره [illegible] **تلی مات** [illegible]

[illegible] جزیره [illegible] جزیره [illegible]

[illegible] جزیره [illegible] جزیره [illegible]

سینکاپور [illegible] **عادن** [illegible] افریقا [illegible]

کاپ اف کود هوپ [illegible]

سیرالیون [illegible] جزیره **موریس** [illegible]

[illegible] جزیره [illegible] جزیره [illegible] **لوکس** [illegible]

[illegible] جزیره **سنت هلینه** [illegible] **آسنسیون** [illegible]

[illegible] جزیره [illegible] جزیره [illegible]

کوارتس ... [illegible] وجمیع انجزیره‌لر ... [illegible] جزیره جمیس تون کوسنه ... طول ... عرض ... [illegible]

دیگر جزیره‌لر ... [illegible] ... دار امریکا ... مملکت ... [illegible]

... [illegible] ... کوی بلک ... [illegible]

دیگر نیو اسکاتلنده ... [illegible] ... هلی فکس

... [illegible] ... نیو برونس ویک ... [illegible]

... [illegible] ... جزیره برنس ادوارد ... [illegible]

... [illegible] ... جزیره برتان ... [illegible]

دیگر جزیره نیوفوندلند ... [illegible]

نیو برتین ... [illegible]

جزیره جمیکا ... [illegible]

... [illegible] ... جزیره باربادوس ... [illegible] ... جزیره جمیکا ...

... [illegible] ... دیگر جزیره انتیکا ... [illegible] ... دیگر جزیره بن بودا ... [illegible]

... [illegible] ... دیگر جزیره انکویلا و جزیره سنت کرستوفر و جزیره مون

سرت و جزیره دولشن و جزیره توباکو ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... اوده یا جزیره

... [illegible] ... جزیره مالطه ... [illegible]

دیگر جزیره‌لر ... [illegible] ... مملکت انکلیز ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... شهر ویانا

... [illegible]

دیگر ... [illegible] ... بروزیرک دیورا ویراکو وکرهتن وانرک وونیس وکرت

ویارو ومیلان ومانتو وهرمنلیت واکرکو وسکا کلجن فرت

لمبرک ووده ... [illegible] ... الپ ودولستولا ودنیوب ... [illegible]

... [illegible] ... جوسف ... [illegible]

... [illegible] ... جارلمکن ...

لویس ... [illegible] ... لوتیر ... لویس ... جارلس ... ایام فتره ... جارلس

... [illegible] ... ادتلف ... لویس ... اتو ... کاندداول ... هنری ...

اتو ... اتو ... هنری ... کاندد ...

... هنری ... هنری ... هنری ... لوتیر ... ایام فتره

... کاندد ... فردریک ... هنری ... فلیب ... اتو

... فردریک ... کاندد ... ولیم ... ایام فتره ... دادالفس

... [illegible] ... ایام فتره ... او الفس ... البیرت اول ... هنری

... ایام فتره ... لویس ... فردریک ... لویس ... جارلس

جهارمی [illegible] وندس لاس بزرنده‌یی فردریك جنه [illegible] دوبوقت [illegible] جاس [illegible] سیجلس موند
بزینه‌یی البوقت [illegible] بكنجی فردریك [illegible] جهاریی مكسی میلین اول بزینه‌یی جادلس [illegible]
فردیناند اول [illegible] مكسی میلین [illegible] [illegible] ادالف [illegible] سكس [illegible]
فردیناند [illegible] فردیناند [illegible] لیوبولد اول [illegible] جوسف [illegible] جادلس [illegible]
[illegible] نوكبا [illegible] جادلس [illegible] فرنسیس [illegible] جوسف [illegible]
لیوبولد [illegible] فرنسیس [illegible] فردیناند [illegible] ذكر ممالك اروبا مملكت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
برك ونت دیك اسبتین برسلا میمل یازن براموبرك بادردم فرنك
فورت كولانك كلبوس لسنا وسلوارف [illegible] میدن تازن [illegible]
برك ملكدی برك افعرت [illegible] معروف [illegible] ولس توله برجیل
میمل الب [illegible] مملكت فردریك ولیم [illegible]
[illegible]
[illegible] فردریك [illegible]
ولیم اول [illegible] فردریك [illegible] فردریك ولیم [illegible] فردریك [illegible]
ولیم [illegible] ذكر ممالك اروبا مملكت [illegible] اسپانیا [illegible]

ولوا المذكر

[illegible] ممالك [illegible]

[illegible] سنی ممالك [illegible] اروپا [illegible] ممالك [illegible]

[illegible] مملكت [illegible] عرض [illegible] شمالاً [illegible] كروه [illegible]
[illegible] مملكت [illegible]
[illegible] سویك وكلنبر وبرسلونا وتولیدو
وبركاس وسلمنكا وسركوساست [illegible] كرناطا وكارنا [illegible] وطركونه ووالنسیه
وكرتخنه وملكا ولیون وبدجوزا وكاردوت [illegible] مملكت [illegible] دووو
وكودسنه وابرو وودومیتهو ومیكس [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
انتنبات [illegible]
[illegible] الطارق [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] طارق [illegible] مملكت
[illegible] فردیناند وای زبلا
[illegible]

در این بلو ... کیمز کوین ای دنبلا ... فرد ... پادشاه انکلتره ... سلطنت انکلتره [illegible]

سلطنت ... انکلتره ... ادوارد [illegible] رجب ... دیرد ... سیتیجوارد پطر

... الفونسو ... دیرد ... پطر ابتلاء ... ورد ... الفونسو ...

پطرو ... جیمس ... پطر ... الفونسو ... پطر ... جان ...

... فردیناند ... الفونسو ... جان ... فردیناند ...

... چارلس ... فلیب ... فلیب ... فلیب ... فلیب ...

فلیب ... فلیب ... چارلس ... فلیب ... لویس

اول ... فلیب ... فردیناند ... چارلس ... چارلس ...

فردیناند ... جوسف ... فردیناند ... دیگر ازجمالک

اروپا ممالکنده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... ویکتور ... کایم ... ویکا ... وایودتود ... ویکتوا [illegible]

تیکس ... وددرو ... وتیهو ... کوین ... پادشاه ...

[illegible] سلطنت [illegible]

[illegible] هنری ... الفونسو

... الفونسو ... [illegible]

... سیتیجو ... الفونسو ... سیتیجو ... الفونسو [illegible]

دلی

و بعده ... الفونسو ... پطرو ... جان ... ادوارد ... الفونسو ... جان

... امنویل ... جان ... سبستین ... هنری ... [illegible]

... [illegible] ... جان ... [illegible]

الفونسو ... پطرو ... جان ... جوسف ... ماریه ...

ای دنبلا ... پطرو ... ماریه ... قائم مقام ... جان ... پطرو

... دام پدرو ... ماریه ... و کلادیه ... دام میکاییل ... ماریه ...

مخصوص جزایر ... جزایر آزور ... جزیره ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... قوبجل ... [illegible]

جزایر کپ ورد ... [illegible]

... بو ... [illegible] ... پیکس [illegible]

سنت تامس ... [illegible]

سنت فلیب ... نیکولاست ... [illegible] ... ملبیاد ...

دیگر جزیره ملوج ... [illegible]

... ممالکت چین ... جزیره ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دنیا کوزه دن [illegible] قصبه سنجون [illegible] جزیره چیلو [illegible]

عرض [illegible] افریقا جزایر [illegible] وستوبهرت [illegible] ونان وولیز ویلملاث [illegible]

[illegible] سفتا کلدز [illegible]

[illegible] جزیره فیلین [illegible]

[illegible] لاذرون [illegible] ماسیفنك [illegible]

[illegible] دیگر مملکت [illegible]

[illegible] الندامن [illegible]

[illegible] جنوه ولسل ونوودیك ولوزدن والاس سیلت

کلین واسیحفهاس والنادفس [illegible]

[illegible] دیگر [illegible]

[illegible] مملکت [illegible]

[illegible]

[illegible] اسپتی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نیوغ وادیج وتایرق وادنوست [illegible] سلطنت

[illegible]

[illegible]

الکسندریه شمبری حناده کالپری [illegible] ویکتار امنویل [illegible]

[illegible] ویکتار امدیوس [illegible] چارلس امنویل [illegible]

ویکتار امدیوس [illegible] چارلس امنویل [illegible] ویکتار امنویل [illegible] نابلیون [illegible]

ویکتار امنویل [illegible] چارلس فیلکس جوسف [illegible] چارلس البرت [illegible] سلطنت

ولایت پاپ [illegible] افندی پاپ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سنت [illegible] جنوس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سنت [illegible]

[illegible] انکونا

وقراد وبلنکه [illegible] مملکت [illegible] سیجیلیه [illegible]

[illegible]

[illegible] تابع ولایتی بحیره ... ناپولی [illegible]
طوسقانه فاکجه ... پلومو ... [illegible] فرد بغنده [illegible]
[illegible] ... ویکار ... امدیوس ... جادلس [illegible]
[illegible] فرد بغند [illegible] جوسف ... فرد بغنده اول [illegible]
[illegible] فراندس ... لکودن سیخا پیستیا اردو
لوکا مودنا ... **دیگر از ممالک اوروپا ...** [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ... اثوغ اولت ... [illegible]
[illegible] ... **دیگر از ممالک اوروپا**
هلانده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... و لندیز ... [illegible]
[illegible]
[illegible] ... جیلو ... [illegible]
[illegible] ... سالسن ... [illegible]
[illegible] ... لوغو ... [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ... سامو ... [illegible]
[illegible] ... بنودکی ... [illegible]
[illegible] ... کوکو ... [illegible]
[illegible] ... **دیگر از ممالک اوروپا** ...
[illegible]
[illegible] ... انقره ... [illegible]
[illegible] ... **دیگر از ممالک** ...
[illegible] ... **جرمنیا** ... [illegible]
[illegible]
[illegible] ... همبرک ... [illegible]
[illegible]

ودلیر وادد ومیین [illegible] دیسوب [illegible] دیگر از ممالک اروپا [illegible]

[illegible]

[illegible]

وکراکوو ودمیناء وبارن [illegible] ووی نیسک وهای لف ودنت زنات ولیرک [illegible]

[illegible] ودینو لا وبرکل وبمل ودوناء ودینو ویالک [illegible] دیگر از ممالک اروپا [illegible]

[illegible]

[illegible] کوین هاکن [illegible] کیل والنور [illegible]

والبادک وویبرک ودیک [illegible]

[illegible] ایرلند [illegible]

[illegible]

[illegible] لوح [illegible]

[illegible]

[illegible] کوین لند [illegible]

کروا وسکناس وسنت جان [illegible]

[illegible] فردیک [illegible]

هرالد [illegible] ادیک [illegible] کادموناه [illegible] هرالد [illegible] سیوین [illegible]

کینوت [illegible] کینوت [illegible] هرالد [illegible] کینوت [illegible]

ادیک [illegible] ادیک [illegible] ادیک [illegible] کینوت

[illegible] دالد [illegible] کینوت [illegible] دالد [illegible] ادیک [illegible] کرابر

[illegible] ادیک [illegible] کرایس توفر [illegible]

[illegible]

[illegible] هرکرت [illegible] هرکرت وادیک [illegible] وادیک [illegible] ادیک [illegible]

کرایس توفر [illegible] کرایس تین [illegible] کرسین تین [illegible] فردیک [illegible] کرایس تین [illegible] فردیک

[illegible] کرایس تین [illegible] فردیک [illegible] کرایس تین [illegible] فردیک [illegible] کرایس تین

[illegible] قایم مقام [illegible] قایم مقام [illegible] فردیک [illegible] کرسیی تین [illegible] فردیک [illegible]

[illegible] دیگر ممالک [illegible]

[illegible] تادیفی ودهلست [illegible] اسنالک هلم [illegible]

برلک وایسل وکادلس کرونا وکربیتیا وکرجن وددان وشیم ولوسیه وتادمنه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اسکریت [illegible]

[illegible]

هرکرت [illegible] دیمرک کرایس تین [illegible] کستدوس وزا ادیک [illegible] کستدوس وداجان [illegible]

ادیک جادلس [illegible] کستدوس وزاد الفس [illegible] کرایستیا [illegible] کستدوس

[illegible] جادلس [illegible] الریکا الیونا [illegible] ادالفس [illegible] کستدوس

[illegible] کستدوس [illegible] جادلس [illegible] جادلس جان [illegible] قسمت

سیم افریقا

[illegible]

[illegible] ایتمس [illegible]

[illegible] بالیمس سولیس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و جماعت ... و ... **از ممالک افریقا مملکت مصر است** و جمیع این مملکت ... سلطان آل عثمان و پاشای آن

اکنون سعید پاشا است ... [illegible] ... این مملکت ... [illegible]

جمعیت دارد ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... اسکندریه و رشید و دمیاط و سویس و قوص و قفط

و اسیوط و منفلوط ... [illegible] ... اسکندریه ... [illegible]

... [illegible] ... حیوانات ... [illegible]

... [illegible]

... دیورهادس ... [illegible]

... موش مصری ... [illegible]

... کلمیون ... [illegible]

... بولوس ... جزیره رودس از ممالک ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

فرمس ... جزیره ... [illegible]

ادلی

رشید ... اسکندریه ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... **دیگر از ممالک افریقا**

مملکت بربر ... [illegible] ... اول مراکش دوم

فاس سیم الجزیره چهارم تونس پنجم طرابلس اما مملکت مراکش ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... سلا ... موگادور ... [illegible]

... [illegible]

اما مملکت الجزیره ... [illegible]

... [illegible] ... ستوره بونه ... [illegible]

و تلمسان ... [illegible] ... اما مملکت تونس ... [illegible]

... [illegible] ... تونس ... [illegible]

... [illegible] ... قیروان قابس

ناجه مهدیه سوسه صفاقس ... [illegible]

اما مملکت طرابلس ... [illegible]

... [illegible] ... ولایت برقه ... [illegible]

... [illegible] ... جبال اطلس ... [illegible] ... دیگر بلاد

الجرید ... [illegible]

... [illegible]

شهر مرکب است ... بنود مکلیه ... [illegible] ... سناد وکری و دافود ... کوب [illegible]

دیگر از ممالک فرنگ ملک حبشه است [illegible]

[illegible] ... شهر [illegible] ...

[illegible]

[illegible] ادوه مسوم نکلولت [illegible]

[illegible] ... انجاز ملک [illegible]

[illegible] مقلشو [illegible] ... دیگر از فرنگ [illegible]

[illegible]

[illegible]

بودیکال [illegible] ... هومنیت

[illegible]

[illegible] ... کیلود ولایت موکیکا [illegible]

[illegible] ... سوفاله [illegible]

[illegible] سنکمیته [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... کوسی [illegible]

ولایت هومست [illegible] ... بونکوه کلونکو

انکولا بنکولا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... هونس تاریس [illegible]

[illegible]

[illegible] ... مالک بیجا [illegible]

[illegible] ... لنکو [illegible]

[illegible]

[illegible] ... نیوبیف وکوکر [illegible]

سکوته [illegible]

[illegible] کوچه [illegible] تمولکو [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مادو ککر دیوتان و مادی [illegible]

کچله وکی وسنت هلینه وکوتارو وسقوطره [illegible] فاد ککر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شنبهات وانکوه و هیتو [illegible]

[illegible]

انکلیک [illegible] ... ماسفیک [illegible]

[illegible]

[illegible]

... هوداں ...

... ان قراو ...

[illegible]

...

[illegible]

... واشنگتن ...

... موونت بلیر اوبلینك تن شینت البنس هنوور كانكارد بانسین تن نیوبوری

بوروت پلی مث نارتمتن دوستر نیوهیون نیویارك بروك لین برودی دكس

نیوبریون پرتیدول پورت لند اكسته هلودل ولس هدسن موهاك سنه لادر

دلاور سنکوی هنه تی اکا نی الک ارا میوبرک کنیکرتن لیانس بنادیه تورنتن سلم

برونزویک فیلادلفیه هربیوریک میلغاراد لنکستر ریدینک بریک لویس تون بلتزاک

داود اناپولیس بلتمور بیع موند پرتهابل نیومرکت دیرجز لیناک برک نادفوک لیدن

رلیف جرمن تون الجزایت جارج تون کلوم بیه اثنس هرفرد میکلیچویل نیوارلینه بلوامه

نتجز جکسون البه نتکلوسه کهابه الکسندریه جارج تون کرکرکبه پلمرع دنداکیه

ادواردس اندیه پولیس کادبلن وین سلس خفرس لوی سیه نر فرنکفورت وین

یرت دلم نثویل مرفرلس کلومبس دی تن تراک کلی بولیس چیلی کاس درن

مرتر انتس لنکستر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دیگر ... ساوث

[illegible] کادلس [illegible]

[illegible]

[illegible] مکسیکو [illegible]

[illegible]

دکافکس کادالکنزه مان تری سینه لو کانا صوتو لدولد اوکسه کا ادیزیه

دیناریه مریدا بنزوده کرنه بنزا کاپولکو [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بلاوی

[illegible] دیگر از [illegible] امریکا کا تیملاوت [illegible]

[illegible]

[illegible] سنت سلوادور جی کویموکا لیون

کرتغو سیونه ودیک [illegible] مکسیکو [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هند الغرب [illegible]

[illegible]

[illegible] هیسپنیولا [illegible]

[illegible]

[illegible] پرتوریکو [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] هیسپنیولا [illegible] کالسکه [illegible]

[illegible]

[illegible] ولفنکو

ینوع دکدن ... سنت نیکولس ... اما امریکا [illegible]

[illegible] ... چول ... اندس

[illegible] ... حمالیه ... آمزون [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... دیودلا پلته [illegible]

[illegible] ممالک امریکای جنوبی مملکت [illegible]

[illegible]

دوعلن کرچک ... کوتو ... کوبل پوین

[illegible] ... جمهوری [illegible]

[illegible]

[illegible] ... حسیم ... [illegible]

[illegible] ... کوتو پکسی

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... دیکر ممالک ... مملکت پیرو در ... [illegible]

دباغلش نهر

دباغلش نهر لیمه [illegible]

[illegible] ... ادی کوف [illegible]

[illegible] ... دیکر مملکت بالیویه در ... [illegible]

[illegible] ... چوکی ... سنتا کرز

[illegible]

[illegible] ... دیکر ولایت حیلیدر ... [illegible]

[illegible] ... سغنیتر ... [illegible]

[illegible] ... کان ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... دیکر مملکت پلیته در ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... مرکز ... [illegible]

کاردوس ... مونت ... سنتغی [illegible]

[illegible]

دیگر مملکت پاراگوای است [illegible]

[illegible]

دیگر مملکت برزیل است [illegible]

[illegible]

دیگر مملکت گوینه است

[illegible]

دیگر مملکت پتگونیه است [illegible]

[illegible]

قسم پنجم از ربع مسکون [illegible] است

[illegible]

جزیره نیوهالند [illegible]

نیوسوث ویلز [illegible]

[illegible] سیدنی [illegible]

[illegible]

در شمال ... پادالو دارد ... بزرگ است ... بسیار ... کلکته ... دیگر جزیره ودنی
مس لند است در جنوب جزیره نیو هالند است ... و ... جزیره ... طول این جزیره ...
... و درمیان این جزیره ... از ... و ... ترکیب ... جزیره ... دارد ...
... و ... جزیره ... دیگر ...
... مشغول ... و ... نیز ... از ... دارد ...
... و ... دیگر جزیره نادفولک است در محیط ... است ... جزیره ... آن ...
دیگر جزیره کیمبت ... در ... جزیره ... و ... است جزیره ...
... و ... و ... و در ... است ... بسیار است ... و ... میان ...
... و ... دیگر جزیره نیو برتین و نیو ایرلند است میان این جزایر ...
... و ... دیگر جزیره وای جیو است ... و در ... جزیره ...
... دیگر جزایر ... و اطراف ... جزایر ... است ...
... دیگر نیو بلند است ... جزیره ... و ... جزیره ... است ...
... جزایر ... و ... میان این جزیره ... و ... و ...
... دیگر جزیره کوی سیل است ... و ...
... اما جزایر بولی کسیه ...
... جزایر الاصدقاء و ... جزیره ... است ...
... دیگر جزایر ... است ... جزیره ...
... است ... و ... است ...
دیگر جزایر مرکیع ... جزیره ... است ... دیگر جزیره سند ...
... است ... جزیره ... است ... و ...

...

... جزیره ... کرکوه ... و ... جزایر ... هونا رود ... و ...
در ... جزیره ... کلکته ... جزیره بزرگ ... دیگر جزایر ...
جزایر بلمون است ... جزایر ... جزایر ...
دیگر جزایر لدرونس است دیگر جزایر ... جزایر ...
... واقع است ... جزایر ... جزیره ...
... واقع است ... الدلنکو نبی دنزی‌بار سنت بالدو سنت‌ساوادو
سنت فلیپ نیکولا فارت اف بکنده کلونکوه کوبولا کیبتون کیسکودهب
لونکو موزمبیک نیولنکو پرتالی ذابت ولات ... در ... واقع است ... جزایر
اودس ابیدس ادوکیت ادی‌کویه ادیکاه اسوزشن برسلوس لهیه
پره بیولن‌ایرکس برنفبوکوه بربربر بلبیه بتوه پوردنوکلو بونوسی ترکیلو
ترصه تکن توکومن جیلو جوکوی‌سکاه سریچپ سلته سن‌بالو سنت
سنت‌کرودل‌سیره سنجان سن‌شیبه‌کوه سن‌شیبه‌کودل سن‌نوکیس فالکلند
کاردوه کابن‌لکن کان‌چین کرزکو کلود کندلیه کوجه بلیه لوبوتو کوبنکا
کیبهارن لحلیس مونت‌دیلبو منزدوزه ولدیوبر لیمه مرنهم مالدوندو
ویله دیکا دلپرکیو اهامنکه لنستل فینادیه کابرکوبل لپر ...
در محیط ... واقع است ای‌سن‌شن امبای‌نه اتوبون باربنو بناویه ...
بلی بنادیه سنکه بوتیجی بودبان بوردوه سیلتان بیمه سیاه پرنزادواد
تامجی تی تره دلفیکو تمبارو ... جزایر ... جونه جوه داد دیلث سامبوه

سرم سلیس سمرنك سنت هلینه سوان دبود سوره کرز سولاء سولوئز
سومتر سی جلیس سیدنی صندل دود فلادس کوینك کومارد کلابس
مرلس مدیوره مری کوی مس میونز ماده کسکر لوسی سیدء نیوزیلند نیو کلدونیه
نیو هبرایدس نیوبرنین نارفوك وای جو هاربت تون

ذکر شمه از محاسن اوصاف ومحامد قواعد کیهانی در بیان مجملی از مکارم اخلاق وقواعد سلطنت معدلت ابن خاقانی

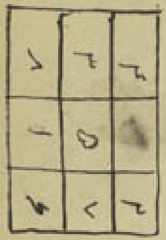
[illegible]

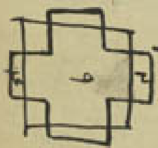
دیگر از خصایل [illegible]

دیگر از صفات [illegible]

دیگر چهار نفر فرشته دیده ساخته دیگر از ره لاف نقشیده حضرتش بروف و امانت که همواره بخت حق خونبیت و همت بلند اینست نقش و الصفای از ماه عنبت
است همواره و بعث و ملاطفت در هر حضور جمعی قوم هستند و در کتابش نمونه کتاب و خراج و هستند بعلاوه همواره تعمیم ممالک محروسه از و حالات
دیوان معنی تحقیقات کما عنایت مبذول باشد و از آنجمله تمام ... از ارکان نصف مملکت فارس است و در امثال آن کشور المانده و املاکی و لوازم فایده
میرسد نه همین بلاک درجت مستمندین بیچاره و بیکسان را اهمیت میدهد نه همه بسند بیکرده دیگر از خیرات خیرات ذات عالی صفات
و ملاطفت و مبرات است که همه باکسی نگاه در وجه طلاب علم و بسته حوزه حضرت جبر ابرسه و جمعی از اشراف و اعیان ... تقصیات نیف
زمان جالب پریشان داده نه تعطیل اسمرار بعض و مرور اوقات که از نقشه و جمع ... مرقوم و اینجمله خلیفه عالی دوام ... اوقات
اشتغال ... اگر ... بربار فارسی بکرده مورد استان امان سلطنت عزیمه ... ادب مشاف منظر باید
و اکثر ... ساخته ... غیب و ستره که در این مستورات
مستعمل ... ساخته ... نعمتی از ... که ... ابواب
محمد ... جمعی از ... حیات ... در ... بمیرد ... بار
نیز و ... معروف ... خاصه ... خیرات ... ابواب ... مستقبل
تصدر و معلی مصارف ... ابواب ... مقبلان ... خیرات
خیرات برو ... باشد ... و دوام و دفات شعر ... و سنگر
برادر ... چهان افرین جرا دیگر از ... عمارات ... وضع ... منازل و فرح
بخش ... و بناهای ... امر جمال الکبری ... مرقومه ... و ملحقات
علامه العرب ... حجرات ... ابنیه ... مملکت ... صحبت
ساخت ... و مساکین ... خیرات ... تحصیل ... و عمارات

دبز





۲	[illegible]	۴
۳	۵	[illegible]
۸	۱	۶

خوب و مقامی بارزیف و در عرب بناء و حموار صنایع مملکت محروسه منازل چهار را از صنایع و از و انواع صنایع و انواع محمر و باد
دیگر برای توطن و تمدن و اراضی ... صد ... از اکثر ... و ... خلایق بهتری جامع است وارد و خوب زینت ... نور الباع
... دیگر ... ساخته ... کرده ... تخیلات ... پیش ... از آن ... اسبیده ... حروف
کشته اصلاح در صفحه روزگار بیادگار ... الحمد الله ... شکر و منت ... روزگار را بعرض ... دوام
سلطنت ... حضرت ... مسعود ... و ... بادشاه ... در
بنا بر این ... ابواب ... این ... صفات ... حضرت ... اکرام ... جاه
روز افزون ... کرده ... حضرت ... سلطنت ... افزون
جزوات ... این جزوه ... که ... اسلطانی ... وامان ... باشد و مخلد الله

بجهة و اوراق ... ساخته الله بمهر ... محمد

۱۲۸۲

مشقی ... زرف

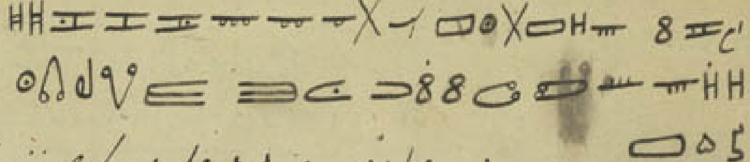
در همان استعمال بخیر کتابت این کتاب و دستخط ... اقل الطلاب ... واقعی ... المرحوم ... الحج ... عنی عنه
الهم ... سر ... که محمد ... داد

مثلث ... حرفی ... است

		۱۰	۳	۸
	۲	۷	۹	
	۱۱	۳		

... ۱۳ ... ۱۱ ... ۷ ... ۱۲ ... ۱۰ ... ۱۵

بکار ابتغ است



قاعده دیگر در مربع [illegible] است [illegible] اگر عدد [illegible] لا اگر [illegible] در خانه
[illegible] در خانه [illegible] اگر [illegible] زیاد کنند در خانه [illegible]
و اگر [illegible] زیاد کنند در خانه ۹ تا زیاد کنند وفق [illegible]

۸۱ ۱۹ ۳۷

۳۰	۳۳	۳۶	۱
۳۵	۲	۲۹	۳۴
۳		۳۱	۲۸
۳۲	۲۷	۴	۳۷

۳۸

قاعده اسم طالب را در خانه اول نوشته و عدد او را حساب [illegible] در خانه [illegible]
در خانه ۱۴ دلت نوشته و عدد او را در زیر آن [illegible] در خانه [illegible]
نوشته و عدد آن [illegible] در زیر آن نوشته [illegible] اسم مطلوب را در خانه [illegible] نوشته
و عدد آن را در زیر آن نوشته [illegible] اسم طالب را [illegible] یک زیاد [illegible]
[illegible] طبیعی تا برسد که خانه ۱۴ [illegible] اسم مطلوب [illegible] عدد است
[illegible] عدد [illegible] در خانه [illegible] نوشته باشد مثلا عدد [illegible] و [illegible] عدد است
در خانه [illegible] در خانه [illegible] در خانه [illegible]
که خانه [illegible] نوشته [illegible] زیاد [illegible] در خانه [illegible]
مثلا [illegible] از خانه ۹ [illegible] مثلا [illegible] ۲۰۸ [illegible] در خانه [illegible]
در خانه [illegible] در خانه ۱۱ [illegible]

۲۰۲	۲۸۰	۹۰	۲۲۱
۲۰۲	۲۹۰	۲۸۲	۲۰۹
۲۰۲	۲۰۲		۹
۹۰	۲۱۹	۲۰۰	۲۸۲

۲۲۲

علم عدد در مربع [illegible] اجل [illegible] عدد را [illegible] کنند [illegible]
در خانه [illegible] در خانه [illegible] زیاد کنند و اگر
[illegible] در خانه [illegible] زیاد کنند [illegible] زیاد کنند [illegible] اگر [illegible]
[illegible] در خانه ۹ [illegible] طبیعی [illegible]
[illegible] قاعده دیگر [illegible] عدد باشد [illegible]
[illegible] در خانه [illegible]

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۱۶

۸	۴	۷	۰
۶	۳	۷	۵
۳	۹	۳	۶
۳	۵	۴	۵

اگر عمل این [illegible]  [illegible] بسیار مجرب است [illegible]

[illegible] در خانه [illegible] در خانه [illegible]
[illegible] در خانه [illegible]
از خانه [illegible] در خانه ۹ [illegible]
[illegible]
از خانه [illegible]

ودود	۱۱۴	۸۸	ب
۸۶	د	۱۸	۱۱۶
و	محمد ۹۲	علی ۱۱۰	۱۶
۱۱۲	۱۶	ع	۹

مثال قاعده مربع غالب و مغلوب است

غالب ۱۰۳۳	۱۵۵	۱۵۵	مغلوب ۱۰۷۸
۱۵۶	۱۷۷	۱۰۳۲	۱۵۴
۱۷۶	۱۵۳		۱۳۰
یوسف ۱۵۶	۱۳۶	۱۰۷۵	نصوح ۱۰۵۴

۱۵۷

حی فتوح ماجد

مهیمن ماجد احد حی قادر مقتدر

الاول الآخر ظاهر

باطن والی متعال تواب

الکبیر المتعال الله الباری المصور المبدی المعید المحیی الممیت

المتعال الاحد الواحد الصمد

البصیر السمیع الحی القیوم

الرحمن الرحیم الملک القدوس العلی

العظیم الحفیظ ملک القدوس سلام عزیز

جبار متکبر مصور غفار

قهار وهاب رزاق فتاح علیم

خافض رافع مذل عدل قهار خبیر عظیم

غفور شکور علی کبیر حفیظ مقیت حسیب

٨	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١٦	٩	٦
١٠	٥	٤	١٥

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شکل قاعده مربع غالب و مغلوب است

غالب ١٠٣٣	١٥٥	١٥٥	مغلوب ١٠٧٨
١٥٦	١٧٧	١٠٣٢	١٥٤
١٧٦	١٥٣		١٣٠
یوسف ١٥٦	١٣٦	١٠٧٥	نصوح ١٠٥٤

١٥٧

فاطر ١٠٢٠ فتوح ٥٠٦ حی ٣ مغیث ٣٦

مقتدر ٣٤٣ قادر ٣٠٥ حمید ١٠٤٧ احد ١٣ ماجد

ظاهر ١:١:٤ الآخر ١:١ الاول ٣٧ محصی ٢٣٨

تواب ٤٩ بر ٢٠٢ متعال ٥٠١ والی ٤٧ باطن ٦٢

الکبیر المتعال الله الباری المصور المبدی المعید المحیی الممیت

٧٧٣ ٦٦ ٢١٤ ٢٣٦ ١٠٢٢ ٦٨ ٩٠٤

[illegible] المتعال [illegible] الاحد الواحد [illegible] الصمد

٥٤١ ١٠٣ ١٠٩ ١٣٠٢

[illegible] البصیر السمیع [illegible] الحی القیوم [illegible]

٣٠٢ ١٠٨

[illegible] الرحمن الرحیم [illegible] الملک القدوس العلی

٢٩٨ ٢٥٨

العظیم [illegible] الحفیظ [illegible] ملک القدوس سلام عزیز

١٠١٠ ١٠٧ ٩٠ ١٠٢٠

جبار متکبر [illegible] مصور [illegible] غفار [illegible]

٩٩٨ ١٠٧ ٩٠ ١٠٣١ ٩٠٢ ٦٢ ٢ ٤٠٦

قهار [illegible] وهاب [illegible] رزاق [illegible] فتاح [illegible] علیم

٢٠٣٠٦ ١٠٢٨١ ٣٠٦ ١٠٢ ٢٠٨ ٢٨٩ ١٠٥

خافض دافع [illegible] مذل عدل قهار خبیر عظیم

١٠٤٨١ ٧٧ ١٠٢ ٣٦ ٨١٢ ١٠٢٠

غفور شکور علی کبیر حفیظ مقیت [illegible] حسیب

١٢٨٦ ٥٢٤ ١١ ٢٣٢ ٩٩٨ ٥٥ ٨٠

[illegible]

عدد حروف ۵۹۹۵

ستاره سبعه	آتش	باد	آب	خاک
زحل	ا	ب	ج	د
مشتری	ه	و	ز	ح
مریخ	ط	ی	ک	ل
شمس	م	ن	س	ع
زهره	ف	ص	ق	ر
عطارد	ش	ت	ث	خ
قمر	ذ	ض	ظ	غ
اعداد	۱۱۳۵	۱۳۵۸	۱۵۹۰	۱۹۱۲

فصل در بیان حروف و تقسیم آن بر ستاره سبعه و عناصر [illegible]

و این حروف [illegible] و حرف آتش منصوب [illegible]

و حروف خاک مخصوص [illegible]

فصل در بیان که هر کس قصد نماید و محافظت از هر بلا و فتنه [illegible] ابتدا از فاتحه [illegible] و جهت [illegible] از فاتحه [illegible]

و مراد است از فاتحه سیم و جهت دفع درد سر و درد دندان [illegible] از فاتحه چهارم و جهت [illegible] از فاتحه پنجم

در برای دفع جنون و دفع [illegible] از فاتحه ششم [illegible] از فاتحه هفتم در برای [illegible]

و [illegible] از فاتحه هشتم [illegible] از فاتحه نهم [illegible]

از فاتحه دهم در برای دفع [illegible] از فاتحه [illegible] برای [illegible] از فاتحه [illegible] برای [illegible]

و [illegible] از فاتحه [illegible] برای دفع [illegible] از فاتحه [illegible] از فاتحه [illegible]

در برای [illegible] از فاتحه [illegible] والله اعلم [illegible]

نار	هوا	آب	خاک
ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ
۱۱۳۵	۱۳۵۸	۱۵۹۰	۱۹۱۲

نار	باد	آب	خاک
خاک	آب	باد	نار
باد	نار	خاک	آب
آب	خاک	نار	باد

۱	۱۳	۹	۵
۲	۱۴	۱۰	۶
۳	۱۵	۱۱	۷
۴	۱۶	۱۲	۸

۱۱۸۲۷	۱۷۴۳	۱۵۸۸	۱۳۱۴
۱۳۹۴	۱۶۱۰	۱۷۲۱	۱۱۸۴۹
۱۷۸۲	۱۱۸۷۱	۱۲۷۲	۱۵۴۴
۱۵۶۶	۱۳۵۰	۱۱۸۹۳	۱۷۶۰

۹۸۹۳

۱۹۱۲

۱۵۹۰

۱۳۵۸

۱۱۳۵

۱۳۱۴	۱۵۸۸	۱۷۴۳	۱۱۸۲۷
۱۱۸۴۹	۱۷۲۱	۱۶۱۰	۱۲۹۴
۱۵۴۴	۱۲۷۲	۱۱۸۷۱	۱۷۸۷
۱۷۶۰	۱۱۸۹۳	۱۳۵۰	۱۵۶۶

نار	باد	آب	خاک
ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ
۱۱۳۵	۱۳۵۸	۱۵۹۰	۱۹۱۲

نار	باد	آب	خاک
خاک	آب	باد	نار
باد	نار	خاک	آب
آب	خاک	نار	باد

۱	۱۳	۹	۵
۲	۱۴	۱۰	۶
۳	۱۵	۱۱	۷
۴	۱۶	۱۲	۸

[illegible]

عدد [illegible] ۵۹۹۵

ستاره	آتش	باد	آب	خاک
زحل	ا	ب	ج	د
مشتری	ه	و	ز	ح
مریخ	ط	ی	ک	ل
شمس	م	ن	س	ع
زهره	ف	ص	ق	ر
عطارد	ش	ت	ث	خ
قمر	ذ	ض	ظ	غ
اعداد	۱۱۳۵	۱۳۵۸	۱۵۹۰	۱۹۱۲

فصل [illegible] حروف [illegible] ستاره [illegible]

فصل [illegible] دفع [illegible] محافظت [illegible] ابتدا از خانه [illegible] و جهت [illegible] از خانه [illegible]

[illegible] از خانه [illegible] دفع [illegible] آتش از خانه [illegible] از خانه [illegible]

[illegible] از خانه [illegible]

[illegible] از خانه [illegible]

[illegible] از خانه [illegible]

[illegible] از خانه [illegible]

[illegible] از خانه [illegible] والله اعلم [illegible]

صلوات الفنا چهار رکعت از بهر حاجات ودر هر رکعت بعد از الحمد یکبار روانه اگر کسی باشد بهار و چند
مرتبه وقتی از صد مرتبه صلوات بفرستد و بعد از آن حاجت طلبد یا وهاب بگوید و بعد از آن بر زبان
نام حرف بر زبان آرد روز یکشنبه گوید در جمعه هزار مرتبه بگوید یا غفور یا ودود یا غنی
اغننی بحلالك عن حرامك وبطاعتك عن معصيتك وبفضلك عن سواك
یا ارحم الراحمین سر جمعه بگرداند و دعا خوانده تا نوازش حاجات روا شود

سوره شقت را بر ماه یکبار
قرآن بخواند

۳۸۳
۳۲۵۲

عطارد یا وهاب
زحل یا غنی یا احد یا وهاب
شمس یا ملک یا مؤمن
قمر یا سمیع
مریخ یا مغنی
مشتری یا ملک یا سمیع
زهره یا مهیمن
حمل یا کافی
جوزا یا لطیف
سرطان یا فتاح یا وهاب
میزان یا حق
عقرب یا حسیب
اسد یا دیان
سنبله یا علی
حوت یا عزیز
جدی
دلو یا ودود

اگر کسی عمل لعل محرم [illegible] باشد و حچه از دهر باشد لعل اپ کلوم سه‌شنبه ۹ مرتبه
سوره فطرت بخواند در آب دمد و بخورد بسته مراد حاصل شود اگر کسی بخواهد که کسی را از عشق
بیقرار کند در حرب لعل ستاره لعل کلی نوشته باشد سوره مطففین را وودر آتش اندازد
از عشق بیقرار شود سوره صبح را جهت محبت بر کرده لعل با دید بخواند و بر سنگ باید
چوب ستاره حمام اندازد از عشق بیقرار کند سرما و اطفار اگر کسی را بخواهد از عشق بیقرار کند
در کاغذ بنویسد هو ۱۱ م ▭ ن دفن کند بیقرار شود سوره سبح اسم را از بهر رک
سنگ بالت مریخ بخواند و در آتش دفن کند بیقرار شود سرما والفجر اگر کسی با لعل بنویسد ستاره
لعل کلی ستاره جرم بخواند در آتش دفن کند بیقرار شود و هر کس اسم یا الله یا هو را عدد
گیرد با اسم خود و در شرف زهره پنج در پنج واعداد عدد نصف کم ۲ در وفق رابع قسمت
و مکعب را در خانه اول نویسد و هر گاه کسر داشته باشد و بیاید در خانه هم افزاید و اگر سه باشد
در خانه با هم افزاید و اگر چهار باشد در خانه ششم و اگر ده گرده عطر چه در مجمر با خود دارد و به ساید

هر روز نود و نه مرتبه بخواند هر مطلب باشد حاصل شود و در دجم باشد

٢	١٩	٩	٢٢	١٥
٢٠	٧	٢١	١٤	٢
٨	٢٥	١٢	١	١٦
٢٢	١٢	٥	١٧	٩
١١	٤	١٨	١٠	٢٢

شو ل خ م

صلوات الغنا چهار رکعت از جهت حاجات و در هر رکعت فاتحة الکتاب یکبار و آیة الکرسی یا مهیمن بار و خند
سوره بخوانند و قل از ... صد مرتبه صلوات بفرستد و بعد از آن چهل و یکبار یا وهاب بگوید و بعد ... سر و از ... تنها
تا انتها حرف ... تا روز یکه ... بگوید در جمعه ... مرتبه بگوید یا غفور یا ودود یا غفور اغننی
بحلالک عن حرامک وبطاعتک عن معصیتک وبفضلک عن سواک
یا ارحم الراحمین سر جمعه ... از صد اضرار و اغنیا ... از جمیع مخلوقات و الا لا

سوره شفقت دار ماه یک
... قرآن افتد و ...
بخواند هر راه ... خوانده
جهت محبت سوره ... جند
... ماه ... و دوران ...
... دوران ... دوران
۳۸۳۳
۳۲۵۴

عطارد یا وهاب یا کریم
تعبد یا جبار یا مومن ۶ ۷
زحل یا حی یا احد یا وهاب
شمس یا ملک
مشتری یا ملک یا سمیع ۳۰
سنبله یا الله یا علی ۷ ۳ ۱۰
قمر یا سمیع یا مومن
زهره یا مهیمن
سرطان یا ... یا وهاب
اسد یا دیان
مریخ یا ... ۵
حمل یا ... یا مسلط ۲ ۷
میزان یا حق ۱۸
عقرب یا حسیب ۴۷۲
حوت یا عزیز یا ... ۶ ۱۶۶
جدی ... حلق
دلو یا ... ۱۷
... ۴

اگر کسی عقد لعنی ... باشد ... سه شنبه ۹ مرتبه
سوره ... بخواند در آب ... بسته مراد حاصل شود اگر کسی بخواهد ... از عشق
بهتر است که ... سوره ... مطلقا را در ... دار
از عشق ... ساعت ... یا ... خوش ... باشد
چوب ستاره ... از عشق ... اگر کسی خواهد ... از عشق ...
کسی در کاغذ ... بنویسد ... ام ▭ ن دفن کند ... سوره سبح اسم ربک ...
سنگ ... بخواند ... دفن کند ... اگر ... ستاره
لعنی ... چرم بخواند ... دفن کند ... اسم یا الله یا هو اعداد
... ساعت ... در ... ضرب
و ... اگر ... باشد ...
... باشد ... گرده ... چهار ...

هر روز ... مرتبه بخواند ... باشد ... دوره ...

ط	ط ا	ع	ط ط	ه ا
ط	۷	ا ط	ط ا	ط
۷	ه ط	ط ا	ا	ي ا
ط ط	ط ا	ه	۷ ا	ع
=	ط	۷ ا	ا	ط ط

باب در فضل عدد اسماء که کار را روبراه کند از جهت هر مهمی که باشد بدین موجب است اول عدد فاتحه
الکتاب کلید همین است ۹۰۶۶۹ دوم عدد سوره اخلاص است از جهت [illegible] زنان
و عقد و [illegible] و دکر نشان نهایت مجرب است ۲۰۰۲ سوم سوره فلق است از جهت دفع شر حاسدان
مجرب است ۴۹۳۱ چهارم عدد سوره الناس از جهت الفت و محبت و دفع شر ظالمان نهایت
مجرب است ۸۶۴۷ پنجم عدد سوره تبت یدا از جهت هلاک دشمن مجرب است ۵۷۲۶
ششم عدد سوره اذا جاء از جهت فتح کارها نهایت مجرب است ۵۸۶۵ هفتم عدد سوره الم تر کیف
از جهت هلاک عدو [illegible] نهایت مجرب است ۵۷۶۶ هشتم عدد سوره القارعه از برای دفع امراض و [illegible]
نهایت مجرب است ۹۹۳۴ نهم عدد سوره والعصر از جهت [illegible] مجرب
است ۴۷۳۴ دهم عدد سوره مبارکه یس از جهت [illegible] در روز [illegible] است ۲۵۷۷
یازدهم عدد سوره انا فتحنا از جهت فتح و گشایش [illegible] است و این ۲۴۱۱ دوازدهم
عدد [illegible] از جهت [illegible] و محبت [illegible] مجرب است ۱۹۲۶ سیزدهم عدد [illegible] از جهت
مهمات [illegible] نهایت مجرب است ۲۳۵۹ چهاردهم عدد آیه الکرسی از جهت دفع [illegible] در خواب
و [illegible] است ۱۳۶۷۱ پانزدهم [illegible]
[illegible] مجرب است ۱۲۳۷۵ شانزدهم عدد آیه لقد جاءکم از جهت شرف نفوذ

[illegible] ۱۵۲۱ [illegible] ۱۳۹۱ [illegible] ۱۲۵۶

ملک و اکابر [illegible] و خواص و عوام نهایت مجرب است ۷۵۴۶ هفدهم عدد [illegible]
از جهت دفع بلاها و طاعون و [illegible] نهایت مجرب است ۳۹۲۲ هجدهم عدد آیه [illegible]
محبت [illegible] مجرب است ۹۸۹۳ [illegible] نوزدهم عدد آیه [illegible]
مجرب است [illegible] ۱۱۱۷۶ بیستم عدد [illegible] است ۱۰۲۹۴ عدد [illegible] است ۴۴۵۸
[illegible] ۳۴۹۴ عدد آیه [illegible] است ۵۵۷۳ از جهت [illegible]
[illegible] مجرب است ۹۳۷۳ [illegible] قتل [illegible] است ۵۸۱۰

[illegible] ساعات [illegible]
[illegible]

[illegible]

در [illegible] ماه [illegible]
جهت [illegible]
عقلا [illegible] ۷۵۵۷ [illegible]
بگیرد و [illegible] اضافه کند و در مربع ثبت کند [illegible]
[illegible] وجعلنا من بين أيديهم سدا فأغشيناهم
فهم لا يبصرون صم بكم عمي فهم لا يعقلون اخسئوا فيها ولا تكلمون وشاهت الوجوه للحي
القيوم [illegible]
[illegible]

[illegible]

باب در فضل عدد اسماء را که روز بر رکنند از جهت هر مهمی که باشد بدین موجب است اول عدد فاتحه

الکتاب کلید همین است ۹۰۰۶۶۹ دوم عدد سورهٔ اخلاص است از جهت [illegible] زیاد

[illegible] و دیگر نشان نهایت مجرب است ۲۰۰۲ سوم [illegible] است از جهت فتح [illegible]

خوب است ۴۹۳۱ چهارم عدد سوره الخناس از جهت الفت و محبت [illegible] به غایت

مجرب است ۸۶۴۷ پنجم عدد سوره تبت [illegible] از جهت هلاک دشمن مجرب است ۵۷۲۶

ششم عدد سوره اذا جاء از جهت فتح کارها به غایت مجرب است ۵۸۶۵ هفتم عدد سوره الم ترکیف

از جهت هلاک [illegible] مجرب است ۵۷۶۶ هشتم عدد سوره [illegible] از برای دفع [illegible]

به غایت مجرب است ۹۹۳۳ نهم عدد [illegible] از جهت [illegible] مجرب

است ۱۴۷۳ دهم عدد [illegible] از جهت [illegible] در روز [illegible] است ۲۵۷۷

یازدهم عدد سوره انا فتحنا از جهت فتح و گشایش [illegible] است ۳۴۱۱ [illegible]

عدد [illegible] از جهت [illegible] و محبت [illegible] مجرب است ۱۹۲۱ سیزدهم عدد [illegible] از جهت

مهمات [illegible] به غایت مجرب است ۲۲۵۹ چهاردهم عدد آیة الکرسی از جهت دفع [illegible] در [illegible]

[illegible] است ۱۳۶۷۰ پانزدهم [illegible] از [illegible]

[illegible] مجرب است ۱۲۳۷۵ شانزدهم عدد [illegible] از جهت [illegible]

ملوک

ملوک و اکابر [illegible] و جواهر و [illegible] به غایت مجرب است ۷۵۴۶ هفدهم عدد [illegible]

از جهت دفع بلاها [illegible] به غایت مجرب است ۳۹۲۲ هجدهم عدد [illegible]

محبت [illegible] از جهت [illegible] مجرب است ۹۸۹۳ [illegible] نوزدهم عدد [illegible] دفع [illegible]

مجرب است [illegible] ۱۱۱۷۶ بیستم عدد [illegible] است ۱۰۲۹۴ عدد [illegible] است ۴۴۵۸

عدد [illegible] است ۳۴۹۶ عدد [illegible] است ۵۵۷۲ از جهت [illegible]

[illegible] مجرب است ۹۲۷۳ از برای [illegible] قل ان کنتم است ۵۸۱۰

[illegible] ساعات [illegible]

[illegible]

[illegible]

در احوال روز [illegible] مناسب است [illegible] ماه مناسب است [illegible]

جهت [illegible] است [illegible] الحجر است [illegible]

عقد اللسان ختم الله علی غشاوة ۵۵۷ عدد [illegible] که [illegible] باشد و عدد اسم آن شخص را

بگیرد و بعد از آن این آیه اضافه کند و در مربع ثبت کند و در [illegible] نهد [illegible]

[illegible] و جعلنا من بین ایدیهم سدا فاغشیناهم

فهم لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا یعقلون اخسئوا فیها و لا تکلمون و شاهت الوجوه و عنت الوجوه للحی

القیوم [illegible] عدد [illegible] به غایت [illegible]

[illegible] مجرب است [illegible] عدد [illegible] کند

تبت سکرن دسمر ملجأ هدی جیفطل اتلاع هتارم اونهل
تاذاران ملص لیلبکا موهل امهن عینغا امنتو به لیبا ادی تکت

فصل در خواص بسم الله الرحمن الرحیم که در ربع مرادونه جمع کن مضطر [illegible] نوشته این ربع را در کاغذ
زهره و قمر ناظر سعود ۷۸۶ نوبت کوانده و [illegible] نیت زاهر وضو کرده دو رکعت نماز کنم الود و در هر رکعت
۱۹ مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم بعد از فاتحة الکتاب بخواند در رکوع و سجود کشند دو رکعت [illegible] نوشته
و [illegible] ربع را [illegible] [illegible] و [illegible] کنه تا صبح [illegible] مجود
[illegible] که [illegible] در [illegible] جمله [illegible] قال [illegible] ربع [illegible] [illegible]
مضمر و یک مظهر [illegible]

الرحیم ۲۸۹	الرحمن ۳۲۹	الله ۶۶	بسم ۱۰۲
۶۵	۱۳	۲۸۸	۳۳
۱۴	۶۸	۳۲۷	۲۸۷
۳۲۸	۲۸۶	۱۵	۶۷

الله	الرحیم	الرحمن	بسم
الرحیم	بسم	الله	الرحمن
بسم	الرحیم	الرحمن	الله
الرحمن	الله	بسم	الرحیم

ᗕ ▭ H ᗡ ᓓ

سوره انا اعطیناک [illegible] H [illegible] [illegible]

[illegible]

چون با نجود [illegible] مجرب [illegible] اگر خواهد [illegible] کند هر چند شخص به عدد [illegible] را بگیرد و [illegible] را در [illegible] کند
[illegible] کند که زبان خصمان بسته شود عدد [illegible] عداوت ۳۴۸۶۳ عدد [illegible] فراق فال هذا
فراق بینی و بینک ۱۳۷۸ عدد [illegible] ۳۸۹۲ عدد [illegible] صم بکم عمی فهم لا یعقلون
۷۳۴ [illegible] عدد [illegible] ۲۳۹ عدد [illegible] ۲۲۳۷۳ عدد [illegible] ۳۲۵ عدد [illegible] الله
۳۸۰ عدد عنده مفاتح الغیب ۸۳۴۹ عدد [illegible] ۵۹۹۵ عدد [illegible] ۱۶ عدد [illegible]
ثم انزل علیکم ۲۲۱۶۳ عدد [illegible] ۷۸۶ عدد [illegible] ۶۲ ۴۳۳ عدد [illegible]
۱۸ ۸ عدد و [illegible] ۲۲۹۳ عدد [illegible] ۱۱۶۱ عدد [illegible] ثم انزل علیکم ۲۲۱۶۳ عدد [illegible]
معز [illegible] ۱۱۹۷ عدد [illegible] ۹۶ عدد [illegible] ۵۸۱۰ عدد [illegible]
۱۲۲ [illegible] ۱۶۵۷ عدد [illegible] ۱۶۸۳۲ عدد [illegible] ۲۱۴۲۹
عدد [illegible] ۲۴۴۲ عدد فاتحة الکتاب ۱۰۲۴۸ عدد [illegible] ۲۱۵۷۷
عدد [illegible] ۲۸۴۳ عدد [illegible] بسمله ۲۱۹۵۳ [illegible] ۱۴۵۶۹
[illegible] ۱۶۸۸ عدد [illegible] ۳۶۱۸ سوره [illegible] ۷۷۷۵۲
عدد [illegible] القرآن ۱۹۶ ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد ۱۰ ۲۸ [illegible]
[illegible] ۷۷۳۲ عدد [illegible] ۱۶۸۱۴ [illegible] ۱۴۵۷ عدد [illegible] ۱۹۴۷۲۰
عدد [illegible] ۲۵۳۲ [illegible] فتبشروا [illegible]
۱۱۷۴۲ [illegible] ۸۵۷ عدد [illegible] ۲۸ عدد [illegible] ۴۷۵۴ عدد [illegible]
۵۳۲۹ عدد [illegible] ۳۳۳۶ عدد [illegible] ۵۵۲۸ عدد [illegible]
۷۷۱۷ عزت [illegible] خاص عام [illegible] [illegible] زحل
۱۲۱۹۱۱ ۲۱۹۱۱ ۲۶۱۳۶ ۳۳۶۴

تنبیه معکوس دسمن ملجا هدی حیفبطمل اثلاثع هتادم اوبهل
تا ذاذان یلص یسبکا موهل امهن عینغا امنتو بر لیبا ادی

فصل در خواص بسم الله الرحمن الرحیم که در ربع مربع جمع کنی مضطر احوال باشد بنویسد این مربع را در ساعت
زهره و قمر نام سعود ٧٨٦ بار بخواند و شکر کند نیت در همین وضو بگیرد و دو رکعت نماز گزارد و در هر رکعت
١٩ مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم بعد از فاتحه الکتاب بخواند و در رکوع و سجود گسته در رکعت دوم نیز همچنان بخواند
و سلام دهد و این مربع را بگشاید عدد بسیار کرد و کیمیا نوح کوید و تصرف عمل کند تا مقصود شود و این مربع را با خود دارد
و رفع عمل کند بعد روم در آن تقشه جمله موکلان حاضر شوند در مربع بگشاید و کشف در روی معین باشد و یک مربع
مضمر و یک مظهر بدین صورت

الرحیم ٢٨٩	الرحمن ٣٢٩	الله ٦٦	بسم ١٠٢
٦٥	١٣	٢٨٨	٣٣
١٤	٦٨	٣٢٧	٢٨٧
٣٢٨	٢٨٦	١٥	٦٧

الله	الرحمن	الرحیم	بسم
الرحیم	بسم	الله	الرحمن
بسم	الرحیم	الرحمن	الله
الرحمن	الله	بسم	الرحیم

سوره انا اعطینا بر پشت هر خوانده بطور چهارم در ۳ تازه باشد جمع شود از بکی کنید

چون با خود دارد مجرب بود اگر خواهی حقد حسد کند هر چند تنفس به عدد شان ادا کند و دایم جمله را در جیب کند
هر که بخواند در زیر سنگ گذارد که زبان خصمان بسته شود عدد آیه علامات ۳۴۸ ۳۹ علاقه فراق فال هذا
فراق بینی و بینک ۱۳۷۸ عدد آیه غشاوه ۳۸۹۲ عدد آیه صم بکم عمی فهم لا یعقلون
۷۳۴ ... عدد آیه ۲۳۹ عدد ۲۲۲۷۴ عدد آیه ۳۲۵۳ عدد ختم الله
۸۰۳۶ عدد عنده مفاتح الغیب ۸۲۴۹ عدد ۵۹۹۵ عدد آیه ۱۶۱ عدد آیه
ثم انزل علیکم ۲۲۱۶۳ عدد آیه ۷۸۶ عدد آیه عیسی ۲۳۶۲ ۳۴۳ عدد آیه سلام قولا من رب رحیم
۱۸ ۸ عدد والشمس ۳۲۹۳ عدد آیه ۱۱۶۱ عدد آیه ثم انزل علیکم ۲۲۱۶۳ عدد عزیز
معز عزتی عزتک ۱۱۹۷ عدد ... ۶۹۶ عدد قرآن ... ۵۸۱۰ عدد آیه ...
۱۲۲ منجیات سوره مقطعه ۱۶۵۷ عدد ... ۱۳۲ عدد ان ربکم الله ... ۲۱۴۲۹
عدد آیه اقرب ... ۲۴۳۶ عدد فاتحه الکتاب ۱۰۲۴۸ عدد ... ۲۱۵۷۷
عدد ... ۳۸۲۳ عدد ... بسمله ۲۱۹۵۳ ... العظیم ۱۳۵۶۱
قل اللهم ... ۱۶۸۸۶ عدد ... ۳۶۱۸ سوره ... ۷۷۷۵۲
عدد آیه و ننزل القرآن ۱۹۶ ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد ۱۰ ۲۸ ...
اقرب ۲۵ ۷۷۳۲ عدد ... ۱۸۱۴ ولقد ... ۱۴۵۷ عدد ... ۱۹۴۷۲
عدد آیه ... ۲۵۳۲ ... فتبشروا الی ... العظیم
۱۱۷۴۲ ... ۸۵۷ عدد ... ۲۸ عدد ... ۴۷۵۴ عدد ...
۵۴۲۹ عدد آیه والقینا ... الی یوم القیامه ۳۳۳۶ عدد ... ۵۵۲۸ عدد آیه کلمه خبیثه ...
۷۷۱۷ عزت خود خاص عام احتجب ... پیدا شد زحل
۱۲۱۹۱۱ ۲۱۹۱۱ ۲۶۱۹۳۶ ۳۳۶۳

جهت محبت زن بشکر و زعفران نویسد برگردن بیاویزد بر جانب ... شدن ... محبت

باد ... بسم الله الرحمن الرحیم لا الا الا لا لا لا لا الا الا طهد یهد

قدوس قدوس قدوس اللهم ارزق فلانه بنت فلانه ذکرا صحیحا سویا و ذکریا

اذ نادی ربه نداء خفیا رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین لا تخف

انا ارسلنا الی قوم لوط و امراته قائمة فضحکت فبشرناها باسحق و من

وراء اسحق فبشروه بغلام حلیم قال ابشرتمونی علی ان مسنی الکبر فبم تبشرون

قالوا بشرناک بالحق فلا تکن من القانطین اللهم ارزق فلانه بنت فلانه

ذکرا صحیحا سویا و لا تجعل للشیطان علیه سلطانا و لا حول و لا قوة الا بالله

العلی العظیم ... مجرب ... بسم الله الرحمن الرحیم علی علی

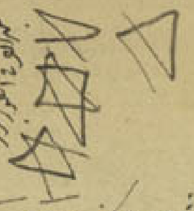
علی علی علی علی له له له له له هو هو هو اه اه اه اه اه اه اه

اه س س س س س س اواه اواه اواه اوه اواه اواه اهیا شراهیا

اهیا شراهیا اهیا شراهیا القدوس له له له له له هو اه اه اه اه اه

اه اه اه اه هذه الساعة الساعة برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا این دعا بنویسد

و زن بر بازو بندد ... ٥١١٩١١١١٤١١١٨٧٦١١١١



ایضا ... انا اعطیناک الکوثر ... عطر اسب ... دائما

و هر کس ... روزش ... علم

عجب ...

هر کس ... مجرب

... عالم ...

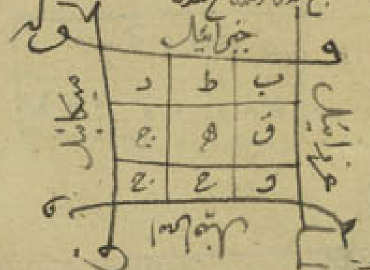
شمال جنوب
عبد النفیا عبد الجلیل

مشرق مغرب
عبد الرحیم عبد الکریم

جهت ...

بر ... ماهی ...

...



... عالم ... فی ...

شمال
عبد الفتاح
...
جنوب
...

جهت زیاد شدن شیر زن بنویسد ...

بنویسد ... فیها انهار

من ماء غیر اسن و انهار من لبن

لم یتغیر طعمه و انهار من خمر لذة

للشاربین و انهار من عسل مصفی

و لهم فیها من کل الثمرات و مغفرة

من ربهم کمن هو خالد فی النار

فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین

و الله من ورائهم محیط بل هو

قران مجید فی لوح المحفوظ تمت

جهت محبت زن [illegible] در عنوان نویسد بر کردن باو زده بر جانب راست [illegible] شدن از حیض محبت

باو بر چربد بسم الله الرحمن الرحیم لا الا الا لا لا لا لا الا الا طهد یهد

قدوس قدوس قدوس اللهم ارزق فلانه بنت فلانه ذکرا صحیحا سویا و ذکریا

اذ نادی ربه نداء خفیا رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین لا تخف

انا ارسلنا الی قوم لوط وامرأته قائمة فضحکت فبشرناها باسحق ومن

وراء اسحق فبشروه بغلام حلیم قال ابشرتمونی علی ان مسنی الکبر فبم تبشرون

قالوا بشرناک بالحق فلا تکن من القانطین اللهم ارزق فلانه بنت فلانه

ذکرا صحیحا سویا ولا تجعل للشیطان علیه سلطانا ولا حول ولا قوة الا بالله

العلی العظیم ایضا این [illegible] نویسد و بخورند [illegible] مجرب [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم علی علی

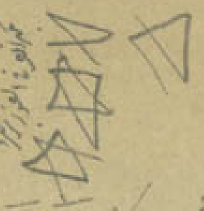
علی علی علی علی علی له له له له له هو هو هو هو اه اه اه اه اه اه اه اه

اه س س س س س س س اوه اوه اوه اوه اوه اوه اوه اوه اهیا شراهیا

اهیا شراهیا اهیا شراهیا القدوس له له له له له هو اه اه اه اه اه اه

اه اه اه اه هذه الساعة الساعة برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا این دعا بنویسد

وزن بر بازو بندد دیگر بازوی راست بندد حامله کو ١١٩١١١٤١١١٨٧٦١١١



[illegible]

ایضا برای [illegible] الکوثر [illegible] عطر اسب [illegible] باشد ٣ دائی [illegible]

و هر کس [illegible] نقش که [illegible]

[illegible]

هر کس بکار [illegible] باشد [illegible]

[illegible] عالم [illegible]

[illegible]	عبد السلام	[illegible]
	[illegible]	

شمال جنوب

عبد النبیا عبد الجلیل

مشرق مغرب

عبد الرحیم عبد الکریم

جهت [illegible]

بر [illegible]

[illegible]

[illegible]

جبرائیل

د	ط	ب
ج	ه	ق
ح	ع	و

میکائیل عزرائیل اسرافیل

[illegible]

جهت [illegible] شدن شیر زن [illegible]

بنویسد [illegible] فیها انهار

من ماء غیر اسن وانهار من لبن

لم یتغیر طعمه وانهار من خمر لذة

للشاربین وانهار من عسل مصفی

ولهم فیها من کل الثمرات ومغفرة

من ربهم کمن هو خالد فی النار

فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین

والله من ورائهم محیط بل هو

قرآن مجید فی لوح محفوظ تمت

[illegible]

قاعده هر عددی را که خواهند در مجمرها روز دهند باید از عددی شصت عدد را نقصان کنند هر آنچه ماند بر ضمیر یک قسم کرده قاعده آخر خط طبیعی قرار دهد و کسورات را هم ترتیب در خانها کنی مثلا یکی را در خانه ۲۱ و دیگری
۲ را در خانه ۱ اجار در خانه ۳ کرده

فصل چنین گوید حسین ابن طباطبائی هر چه خواهی معلوم نمایی در وقت طبیعی ه ه کی از بیوتات قمریه بیست و هشت منزل
است اول شرطین وانتها آن بطن الحوت است که او را شرطین یا ثلاث ثریا حمل است و از ثلاث ثریا تا ثالث نثره
ثور است و از ثلث ثریا تا آخر ذراع جوزا است و از نثره تا ثلث جبهه سرطان است
و از ثلثان جبهه تا ثلثان صرفه اسد است و از ثلث صرفه تا آخر سماک سنبله است
و از عقرب تا ثلث اکلیل میزان است و از ثلثان اکلیل تا ثلثان شوله عقرب است
و از ثلث شوله تا آخر رشا حوت است بدانکه حکمای مغرب این خانه ۹ اسم ۱۰ النجوم بعضی از
دعا بیان کنند بر بروج مثل آ اططهیال ب بططهیال ج جططهیال
د دططهیال ه هططهیال و وططهیال ز زططهیال ح حططهیال
ط ططططهیال ک با هر حروفی قسم بدهند هر جا که اقسمت علیکم یا اططهیال الم
بحق الحق الغالق بان تفعلوا کذا و کذا تمت

د	۴	۲
—	۵	ه
ه	۳	٦

جهت حمل زنان زن عقیم باشد و بچه نیاورد فبشرناها باسحق ومن وراء اسحق یعقوب
وبشرناه باسحق نبیا من الصالحین ان الله یبشرک بیحیی مصدقا بکلمة
من الله سیدا وحصورا ونبیا من الصالحین والسماء والطارق النجم الثاقب
ان کل نفس لما علیها حافظ فلینظر الانسان مم خلق خلق من ماء دافق یخرج
من بین الصلب والترائب اللهم اجعل فلانه بنت فلان ولدا مبارکا بحق هذه الاسماء
هه هه هه یلهوا یلهوا یلهوا اه اه اه اه اه اه اه اه اه
وووووه فلما تغشاها حملت حملا خفیفا ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم تمت

فایده در شناختن قمر هر عمل که باید کرد ابو معشر منجم گفته هر ماه منزل و شرط رسد در آن عمل
عمل دشمن و ضرر باید که در او ازهر شرطین یا ثلث ثریا حمل است و دو صد برج است و منزل الحوت
و هم در بطین که در دشمن است و هم است در عمل و محبت و مهربانی باید کرد و هم به ثریا
که در عمل محبت و صد گاهی و مهر و کینه باید کرد و هم در آن رسد روحانی و فعالیت است در
در مهمات و ابتدای اعمال فرح کردن نیک است و چون به هقعه رسد ستاره سعد است
و سعید و صد زحل است هنعه تا آخر ذراع جوزا است لکن هر عمل که آن کار است

قاعدة هر عددی را که خواهند در مخمس پر کنند باید از عدد نصف عدد ... ناقص کنند ... هر بیت ... در

یک قسم کنند تا خانه آخر خم طبیعی قرار دهند و کسرات را هم ترتیب در خانهای یکجا بدهند و در خانه ۲۱

عاشر در خانه اجاد ... در خانه عشر کنند

فصل خوش کرد ... اطفال ... جمع حرام ... طبیعی ... که در اینها ... منازل ثلث

قمر ... اجزا ... از شرطین تا ثلث ثریا حمل است و از ثلث ثریا تا ثلث هقعه

ثور است و از ثلث هنعه تا آخر ذراع جوزا است و از نثره تا ثلث جبهه سرطان است

و از ثلثان جبهه تا ثلثان صرفه اسد است و از ثلث صرفه تا آخر سماک سنبله است

و از غفر تا ثلث اکلیل میزان است و از ثلثان اکلیل تا ثلثان شوله عقرب است

و از ثلث شوله تا آخر ... است ... ۹ ... ۱۰

... آ اططهیال ب ططهیال ج ططهیال

د ططهیال ه ططهیال و ططهیال ز ططهیال ح ططهیال

ط ططهیال ... که اقسمت علیکم یا اططهیال الم

بحق الحق ... ان تفعلوا کذا و کذا تمت

٤	٩	٢
١	٥	٧
٨	٣	٦

جهت حمل زنان ... فبشرناها باسحق ومن وراء اسحق یعقوب

وبشرناه باسحق نبیا من الصالحین ان الله یبشرک بیحیی مصدقا بکلمة

من الله وسیدا وحصورا ونبیا من الصالحین والسماء والطارق النجم الثاقب

ان کل نفس لما علیها حافظ فلینظر الانسان مم خلق خلق من ماء دافق یخرج

من بین الصلب والترائب اللهم ... فلان ... ولدا مبارکا بحق هذه الاسماء

هه هه هه یلهوا یلهوا یلهوا اه اه اه اه اه اه اه اه

ده ده ده ده فلما تغشاها حملت حملا خفیفا ولا حول ولا قوة الا بالله

العلی العظیم تمت

فایده ... بدان که هر ... باید کرد ابو ... گفت ... هر شرط رسد در آن ...

... باید که ... از شرطین تا ثلث ثریا حمل است و ... مریخ است ... الحمل

... بطین ... است ... در ... جمعیت ... باید کرد ... ثریا

... در ... باید کرد ... در آن ... روحانی ... است ...

در ... کردن ... است و چون به هقعه رسد ... سعد است

و سعد ... است ... تا آخر ذراع جوزا است ... هر ... از ...

وهمی و چون بهفت ذراع سعادت است نیمه بازی و دفع شری در عمل دریزان باید کرد و بعضی گویند ... نیک
بود و چون بهشت نثره ستاره سعادت بزرگ و دفع مریخ است در عمل بازرگانی و دوستی کارها نیک بود
و چون به ۹ طرفه سعادت و جهت ... صید ... و کمک و دیگر نیک است و چون به ۱۰
جبهه ستاره سعادت و سعید است و دفع زهره است در عمل ... و ...
و ... نیک بود و چون به ۱۱ زبره ستاره نحس و دفع عطارد است طلسمات دشمنی و ...
و عمل بیماری و هلاکت و ... مردان نیک است و چون به ۱۲ صرفه ستاره سعید است عمل ...
... و چون به ۱۳ عوا ستاره سعید است و دفع ... عمل ... نیک بود و چون به ۱۴ سماک ستاره
سعادت ... و دفع ... طلسمات ... نیک بود و چون به ۱۵ غفر ... ستاره ... است
و دفع مریخ طلسمات ... و بیماری و هلاکت و ... است و چون به ۱۶ زبانا ستاره نحس است
و دفع ... طلسمات ... و ... نیک بود و چون به ۱۷ اکلیل ستاره نحس است
و دفع زهره دل ... و چون به ۱۸ قلب ستاره سعید و سعادت و دفع عطارد ...
نیک و چون به ۱۹ شوله ... و سعادت ...
و چون به ۲۰ نعایم ستاره سعید ... و چون به ۲۱ بلده است
سعد و نحس

سعد ... و ... نیک است و چون به ۲۰۲ ذابح ستاره نحس است و دفع ...
و ... و چون به ۲۰۳ بلع ستاره ... است و سعد ... و ...
نیک است و چون به ۲۰۴ سعود ستاره ... است و دفع عطارد طلسمات ... نیک بود و چون به ۲۰۵
اخبیه ستاره سعد و دفع زهره است طلسمات ... نیک بود و چون به ... مقدم ستاره
و دفع ... و سعد ... نیک است ... و چون به ۲۷ موخر ستاره ... و چون به ۲۰۸ رشا
ستاره ... است عمل ... نیک است ... والله تعالی اعلم ...

فصل در دانستن ... | جهت ... | جهت ... | جهت ...

[illegible]

و جمیع و چون هفتم ذراع سعد است انجه برجی و وجه مشتری در هر عملی در یمن باید کرد خصوص کردن اینها نیک
بود و چون هشتم نثره که ستاره سعد است در برج سرطان و وجه مریخ است در هر عمل بازرگانی زود است کار ... نیک بود
و چون ۹ طرفه که سعد است و ستاره ... است صید ... و کذا ... نیک است و چون ۱۰
جبهه که ستاره سعد است و سعید است و وجه زهره است در هر عملی کردن بنا و عمارت ... و روبها ... و
... نیک بود و چون ۱۱ زبره که ستاره نحس و وجه عطارد است طلسمات دشمن و جواب ...
و عمل بیماری و هلاکت ... مردان نیک است و چون ۱۲ صرفه که سعید است عمل ...
... و چون ۱۳ عوا که سعید است و ... عمل ... نیک بود و چون ۱۴ سماک که
... و برج ... طلسمات ... و مهمانی را نیک بود و چون ۱۵ غفر ... ستاره ... است
و وجه مریخ طلسمات بلاد ... و بیماری و هلاکت ... و چون ۱۶ زبانا که نحس است
و وجه ... است طلسمات ... و ... و چون ۱۷ اکلیل که ستاره نحس است
و وجه زهره ... و چون ۱۸ قلب که ستاره سعید و ... است و وجه عطارد ...
... و چون ۱۹ شوله ... و محبت و ...
و چون ۲۰ نعایم که سعد و ... و چون ۲۱ بلده ... است
سعد ...

سعد و مشتری است محبت و عطوفت و مهمانی را نیک است و چون ۲۲ ذابح که نحس است و وجه مریخ خرابی ...
و ... و ... را ... و چون ۲۳ بلع که وجه ... است و سعد و طلسم محبت و الفت و ...
نیک است و چون ۲۴ سعود که سعد است و وجه عطارد طلسمات محبت و کارهای خیر را نیکو بود و چون ۲۵
اخبیه که سعد و وجه زهره است طلسمات زبان ... و ... نیکو بود و چون ۲۶ مقدم که
وجه ماه است و سعد و نیک است ... و مهمانی و چون ۲۷ موخر که نیک ... خیر و محبت و چون ۲۸ رشا
که میانه است عمل ... نیک است و ... نیک باشد والله العالم ...

فصل در ... جهت سعد ... قمر در ثور | جهت محبت و الفت قمر در برج حمل ... یا در ... یا در برج ... و میزان | جهت عداوت قمر در برج عقرب ... و دلو یا در ...

[illegible]

آ من الانام ب من البقل ت من التمر ث من الثياب ج من الجلود ح من الحديد
خ من الخشب د من الدواب ذ من الذهب ر من الرواحين ز من الزجاج
س من السمك ش من الشهود ص من الصفر ض من الضباط من الطيود
ظ من الظباع ع من العطورات غ من الغنم او الغيم ف من الفواكه
ق من القرايا ك من الكلاب او الكتاب ل من اللبن م من المدن
ن من النجوم و من الوحوش هـ من الهوام ى من اليواقيت الذى
يتكلمون بالرحانى فى هذه الحروف

منقم ردف مالف الملك دو الطلال الاكرم فوز
هادى باغ واشق رشيد صبوح

عقود تسع

اول	دوم	سوم	چهارم
٧	١٤	٢١	٢٠٨
پنجم ٣٥	ششم ١٤٢	هفتم ١٤٧	

عقود نه دونه

اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم
٩	١٨	٢٧	٣٦	٤٥	٥٤	٦٣	٧٢	٨١

ق	ا
س	ذ
و	ض
ق	ر
و	ع
ر	ر
ق	ر
ن	ط
ن	ح
ص	ق
ر	خ
ق	ل
ف	ع
ط	ن

قاعده در ٧ سبع خزانه الجمع عدد باشد که سه بار در خانه چهارم ضلع فوق بايد يک کرد [illegible]
ضلع تحت کرده و [illegible] زير [illegible] رفتار [illegible] ضلع از طرف فوق گذشته خانه
ضلع گذشته را خانه چهارم ضلع ميانى سبع است ٥ کرده [illegible] در خانه [illegible]
در تحت ٧ [illegible] سبع است [illegible] ضلع ششم کرده
[illegible] ضلع ميانى سبع است ١٣ کرده
[illegible] خانه ١٤ و عدد ١٥ را در [illegible] تحت ١٣ کرده [illegible] ضلع [illegible]
[illegible] ضلع ششم ٣١ کرده و ٣٢ [illegible]
[illegible] ضلع تحت ٣١ کرده [illegible]
[illegible] ٣٦ [illegible] ٣٧ کرده [illegible]
[illegible] ٣٦ کرده [illegible] ضلع تحت ٤٣ کرده [illegible]
[illegible] ضلع ميانى ٤٤ [illegible] ضلع تحت ٣ [illegible] ٤٩ [illegible]
[illegible] ١٣ در ١٣ تا ١٠٢ در ١٠٢ تا ١٠٣ در ١٠٣ الخ بالا [illegible]

طا بع روح نصلح تاهط هبوى مجربا

[illegible]

آ من الانام ب من البقل ت من الترث ث من الثياب ج من الجلود ح من الحديد
خ من الخشب د من الدواب ذ من الذهب ر من الرواحين ز من الزجاج
س من السمك ش من الشهود ص من الصفر ض من الضباط ط من الطيور
ظ من الظباع ع من العطورات غ من الغنم او الغيم ف من الفواكه
ق من القرايا ك من الكلاب او الكتاب ل من اللبن م من المدن
ن من النجوم و من الوحوش هـ من الهوامر ى من اليواقيت الذى
يتكلمون بالروحانى فى هذه الحروف

عقود ثنى دوى

عقود سبع

قاعدة [illegible]

[illegible]

طابع بروح نصيح تاهط هبوى مجزيا

[illegible]

تسهیل در دفع مزاحمات و تسخیر عزیمه و ملک و اعوان را نیز از هر باب ترتیب که اسم طالب و مادرش

و اسم مطلوب را که بنت باشد با مادر با عدد اسماء الحسنی و آیه مناسب از قرآن عدد کرده و بعد از طرح و در مربع

مربع وضع نموده بطریق ذوالکتابه لوحی وضع نموده در چهار گوشه آن اسماء ملک را با اسم او در ده و دیل را

اضافه نموده اسمای اعوان از آن خانه دیگر در هر سیم سطر فوقانی و دوم و سیم تحتانی و در اول و آخر در سطر

دوم و سیوم بنویسد از قرآن اوله دیوش بالا از آخر ده خانه و سطر بالا و پائین و طیش را از آخر ده خانه جانب راست

ده خانه جانب چپ متصل نموده عزیمت سازند مثال طالب حبیب ۸۰ بن صالحه مطلوب زینب

۶۱ ۱۳۴ ۲۲

بنت مریم مناسب عدد تحبیب از اسما الله ودود ۲۰ آیه مناسبه و انه لحب الخیر لشدید

۲۹۰

طرح شد تتمه یکهزار و هفتصد و نود و شش ربع آن چهارصد و چهل و نه بصورت مربع این عدد است

۴۵۶	۴۵۹	۴۶۲	۴۴۹
۴۶۱	۴۵۰	۴۵۵	۴۶۰
۴۵۱	۴۶۴	۴۵۷	۴۵۴
۴۵۸	۴۵۳	۴۵۲	۴۶۳

بصورت عزیمت چنین است عَزَمْتُ عَلَیْکُمْ

اَیُّهَا الْاَعْوَانُ بَبْنِیُوشِ طَنْیُوشِ

بَنْیُوشِ جَنْیُوشِ سَقْطِیشِ

دَنْتَطِیشِ اَسْتَطِیشِ اَنْتَطِیشِ

وَسَلَّکُمْ عِشْقَ زَیْنَبِ بِنْتِ

مَرْیَمَ وَاَخَذَ جَمِیعَ جَوَارِحِهَا عَلَی مَحَبَّةِ حَبِیبِ بْنِ صَالِحَةِ بِحَقِّ رُؤَسَاءِکُمْ

وَخُلَفَاءِکُمْ وَاُمَرَاءِکُمْ طَمْتَائِیلَ وَتَنْتَائِیلَ جَسْتَائِیلَ خَنْتَائِیلَ وَاَقْسَمْتُ عَلَیْکُمْ

اَیُّهَا الْمَلَائِکَةُ الْعِظَامُ الْکِرَامُ وَهَیَّجْتُ قَلْبَ زَیْنَبَ الْمَعْهُودَةِ بِعِزَّةِ اِسْمِ اللّٰهِ

١٨٢٦

تسهیل در وضع مربعات و استخراج عزیمه و املاک و اعوان از اسما و ابتدای ترتیب که اسم طالب و مادرش
و اسم مطلوب را که زینب است با هم حساب عدد از اسما الحسنی مناسب از قرآن عدد کرده و بعد از طرح و در مربع
مربع وضع نموده بطریق فی الکتاب اولی وضع نموده چهار رکن اشراف ۴۷ املاک را اسمی او ده و دیل را
اضافه نموده اسمای اعوان از اشت خانه دیگر بوده سیم سطر فقا تا دوم و سیم تحتانا و در اول و آخر در سطر
دوم و سیوم ... ایات از خانه دیگر بالا و پائین و نیز از آخر خانه جانب راست
دو خانه جانب چپ متصل نموده عزیمت سازند مثال طالب حبیب مادرش صالحه مطلوب زینب
٦٩ ١٣٤ ٢٢
مادرش مریم مناسب عدد الحجب از اسما الله ودود اسم مناسب واته هب الخیر لشدید
٢٩ ٢٠
طرح ۹۶ تتمه یکهزار و هفتصد و نه و شش ربع آن چهارصد و چهل و نه و صورت مربع این عمل این است

و صورت عزیمتش چنین است عزمت علیکم

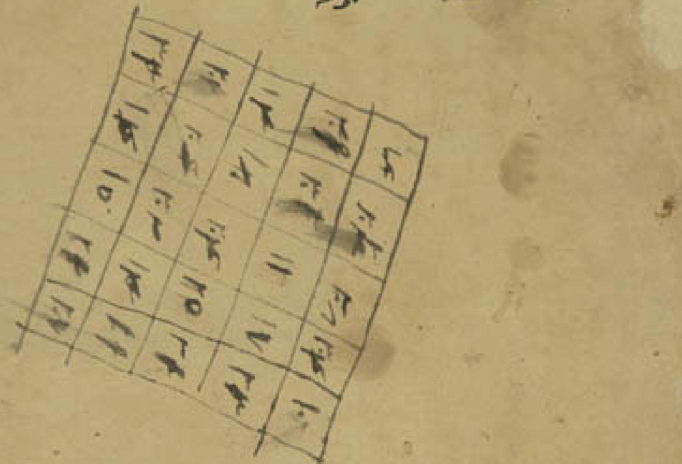
٤٥٦	٤٥٩	٤٦٢	٤٤٩
٤٦١	٤٥٠	٤٥٥	٤٦٠
٤٥١	٤٦٤	٤٥٧	٤٥٤
٤٥٨	٤٥٣	٤٥٢	٤٦٣

أيها الأعوان بَبتيوش كَلنيوش
بَنيوش جَلنيوش سَقطيش
دَمنطيش أستطيش أنتطيش
وسَلَّطكم على زينب بنت
مريم واخذ جميع جوارحها على محبة حبيب بن صالحة بحق عزرائيل و ... وآكد
وخلفاء كم واعوانكم طمائيل ونتائيل جسائيل حنتائيل وأقسمت عليكم
أيها الملائكة العظام الكرام وهيجت قلب زينب المعهوده بعزة اسم الله

الودود ... الخير ... الشديد

اینقدر داده است [illegible]

از کلاه [illegible] تخته [illegible] یافت [illegible]



۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

